

مردم

ازگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۴۷
چهارشنبه ۱۰ مردادماه ۱۳۵۸
تک شماره ۱۵ ریال

استقبال پر شور زحمت کشان ایران از نامزدهای حزب توده ایران برای مجلس خبرگان

ضد انقلاب هم در کارزار انتخاباتی
اخلال گری و خرابکاری را تشدید کرده است
صفحه ۶

نامزدهای مجلس خبرگان! مردم ایران باشما سخن میگویند

هموطنان عزیز! نامزدهای مجلس خبرگان! شما باید در تصویب آن قانون اساسی بکوشید که امپریالیسم را از وطن ماریشه کن کند، آزادیها و حقوق دموکراتیک را تامین نماید و راه تکامل جامعه ایران را هموار سازد

گزینش

یک خوشه از کشتان توده ستارگان دست چپ شده در آسمان چشمانمان.
پوندگان بلند بال آزادی رها از کمند رنگین کمان.
درخت گل از ریشه رازناک رنج تندیسهای تندرو توفان برستون ایمان.
میوه سرخگون شجاعت در سبد مردم چهره های رخشان خرد در نامنامه بزرگان.
اینک ای توده، برگزین عشق را و وفا را بازماندگان سپیده دمان را شهیدان زنده را شبنم های سنگ شده را سنگ های سخنگو که کلامشان فواره های برکت بر ما می نشاند و بدر محبت درما می نشاند ای توده برگزین و باش بسامان.
با سرود پیوند با آهنگ کار سرداران سربلندمان می آیند راه بگشایند خواهران و برادران! «فرها ره آور»

اطلاعیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

پرو اطلاعیه قبلی کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره پشتیبانی حزب ما از نامزدهای غیر حزب برای مجلس خبرگان، اینک به اطلاع میرساند که در گرومانشاه، اعضاء و هواداران و دوستان حزب، علاوه بر رفیق رضاشلتوکی، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران،

نامه دبیر خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی امام

حضرت آیت الله محمد رضا مهدوی کنی
با توجه به تسهیلات و امکاناتی که انقلاب شکوهمند ایران به رهبری امام خمینی در زمینه آزادیهای دموکراتیک فراهم آورده است، و نیز با توجه به اعلام و اقدام مقامات مسئول در تأمین آزادیهای افراد، احزاب و سازمان های سیاسی برای تشریح نظر ایشان نسبت به پیش نویس قانون اساسی

رفقا: احسان طبری، مریم فرمانفرمائیان (فیروز) و صابر محمدزاده نامزدهای نمایندگی حزب توده ایران برای مجلس خبرگان از تهران، روز چهارشنبه دهم مرداد ماه ۱۳۵۸، ساعت ۶/۵ بعد از ظهر، در زمین چمن دانشگاه تهران، درباره سیاست حزب توده ایران سخن خواهند گفت.

طی چند روز گذشته از طرف عناصر بی مسئولیت نسبت به توزیع کنندگان اعلامیه های حزب بعمل آمده است، از شما انتظار داریم که امنیت اجتماعی در زمین چمن دانشگاه تهران برقرار خواهد شد که در آن چند تن از نامزدهای حزب توده ایران سخن خواهند گفت. با توجه به مزاحمت هایی که

نامزدهای حزب توده ایران برای مجلس خبرگان



رفیق ابوتواب باقرزاده

عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران - ازمازندران



رفیق نورالدین کیاوری

دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران - از تهران



رفیق آصف رزم دیده

عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران - از تهران



رفیق احسان طبری

عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران - از تهران



رفیق صابر محمدزاده

عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران - از تهران



رفیق انوشیروان ابراهیمی

عضو هیات سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب توده ایران - از آذربایجان



رفیق مریم فرمانفرمائیان فیروز

عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران - از تهران



رفیق حسین جودت

عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران - از آذربایجان



رفیق علی لامعی

مسئول سازمان حزب توده ایران در شهرستان بهشهر - ازمازندران



رفیق علی خاوری

عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران - ازخراسان



رفیق غلامرضا روحانی شهرکی

ازمسئولین سازمان ایالتی حزب توده ایران در اصفهان - از اصفهان



رفیق محمد علی عمولی

عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران - از تهران



رفیق عباس حسینی آذر

ازمسئولین سازمان ایالتی حزب توده ایران در اصفهان - از اصفهان



رفیق عباس حجری بجنستانی

عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران - از تهران



رفیق علی اکبر مایل زاده

ازمسئولین سازمان ایالتی حزب توده ایران در خوزستان - از خوزستان



رفیق رضا شلتوکی

عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران - از کرمانشاه

قانون اساسی ایران باید بازتاب انقلاب ضد امپریالیستی و دموکراتیک مردم ایران باشد

نامه دبیر خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره تحریکات عناصر مشکوک در کارزار انتخاباتی

به دفتر نخست وزیری، کمیته نظارت بر برگزاری انتخابات وزارت کشور

رونوشت: مطبوعات

با آنکه از جانب مقامات مسئول نظارت بر انتخابات اعلام شده است که انتخابات در محیطی آزاد و بدون رزوه گونه محدودیت انجام خواهد گرفت، دیر زود امروز دو مبلغین و توتیب-کنندگان اعلامیه های حزبی توده ایران در نقاط مختلف شهر، بویژه در منطقه راه آهن، مسرود حمله و ایداه عناصر مشکوک ترار گرفتند، علاوه بر آنکه اوراق معرفی نامه های انتخاباتی حزب توده ایران را باره کرده اند، افراد را نیز مورد ضرب و جرح قرار داده اند.

این امر آشکارا ناقص دستورات آنشورا در مسرود محیط آزاد فعالیت و تبلیغ برای نامزدان مجلس بررسی نهائی قانون اساسی و نیز تجاوز وسیع به حق آزاده افرا، سازمانها و احزاب برای فعالیت انتخاباتی است. از شما تقاضا داریم که اقدامات لازم برای تأمین این حق بدیهی انجام داده، شرایط لازم برای فعالیت آزاد نامزدان انتخاباتی مجلس بررسی نهائی قانون اساسی فراهم نمائید.

دبیر خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۳۵۸/۵/۸

پوستر پاره کن های حرفه ای

کارشناسی را که دوستی برای مردم، فرستاده، عیناً در زیر چاپ میکنیم.

صبح امروز دوشنبه ۹ مرداد، در مسیر همیشگی خود، در تهران نادری سابق تا میدان منوچهرالدوله سابق، در دفاع میانه ساعت ۷/۵ تا ۸ صبح، معنی محکم مکرر مرتفع. در صحنه شروع آرم و شوم، اسما در عین حال آمیدوار کننده، مرا بر آن داشت تا این دو ارائه را، آنطور که شاهدی بودم، برایتان بنویسم.

واقعه اول، م یوبط به پیاده روی پشت دیوار سفارت انگلیس در خیابان نادری بود. امروز به چشم خود به ما همیت و پوستر پاره کنهای حرفه ای؟ سبی مردم، به من و به عده ای دیگر ثابت شد، اینها که با شما یکدسته و قحطی عجیب، پوستری افشاگر و مترقی را ر باره میباشند و کجا نیت؟

دست همان ساعتی که مردم به سرکارشان میروند و خیابانها، مخصوصاً در مسیر، به علت تراکم شغل و حرفه، شلوغ و پر از حاد است، چشم به جمال سه نفر از اینان روشن شد. دو نفر پای دیوار ایستاده بودند و سومی بر روی آنها، با جاقشو-پوستر نامزدهای انتخاباتی حزب توده ایران را پاره می کرد، با چنان تلای استکار کوه، می کند، رنگدانی که می گذشتند، با سکوئی متعرض به عملیات حیرت انگیز این چند جوان دویا نگاه میکردند و چون ظاهراً سر و وضع جنرال، واقفا ترسناک بود و نشان میداد که از هیچ چیز باکی ندارند، مخصوصاً که اسرار داشتند، چاقوهای پست و پهن و نیزشان به زینت توتی چشمها بزنده اما رنگداری که مرد میانه، سالی بود، سکوتر را شکست و به صدای بلند گفت: «ساواکها هم دست به همین کار می زنند».

آنکه پوستر را با جاقشو پاره کرده بود، یک جکش خامه داد و پایکش خیزن نظرش منتهی به پاهای برید و در حالیکه جاقش زانده اش را به صورت هدیه آمیزی بطرف مردم گرفته بود، با چند فنش مستهجن که لطفش را عام را شامل می شد، عربده کشید که: «نمیداریم توده ای سربلن کنان».

چند دوم، چند قدم بالاتر، نزد یک میدان منبرالدوله سابق یک جوان موتور سواری، ایضا با سر و رویی روان، با یک پیراز به پیاده روی، موتور سواری پیاده روی، با چند فنش مستهجن که لطفش را عام را شامل می شد، عربده کشید که: «نمیداریم توده ای سربلن کنان».

اگر اینها مورد قبول نوبستند، می توانی عکس چاپ پوستر دیگری، در کنار همین پوستر چسبانی، نه اینکه... که نگذاشت حرف تمام شود. با لحنی دروزان تراکت و به وضوح تهدید کننده سینه جلو داد که: «چه چی میگی؟ که دیگر مردم جمع شد. بودند و هر کسی به اعتراض چیزی می گفت. از آن میان صدای روزنامه فروش پیرد زحمتکش کنار خیابان، خطاب به پوستر پاره کن از همه سزاوار بود که: «کنید، آلودت نوشتی؟ اون سالها هم که من قتل تو دانسته اند و اینها ستمکند و به پوستر و هر چه کشوند و رویدیم که چه به سرمان اومد و سی سال این ملنگو مثل قبرستون کردن و در حالی که صدایش از پرده بغض ناخوسته دورگه شده بود و به عکسهای روی پوستر نگاه می پاره شده حزب توده ایران، به دیوار افاده می کرد، فریاد زد:

«من سر سالها پیشوار می شناسم، اینها نه سر عصبی مند، نه گوهر خویشم، شاه با اون همه توطی و تلفک، نتوانست، چهره انبارو از مردم پنهان کنه، حالا تو با این پلرده چاقو می خوری چرو از مردم پنهان

نامه ده های مجلس خبرگان! مردم ایران باشما سخن می گویند!

هموطنان عزیز! نامه ده های مجلس خبرگان!

اکنون، در این روزهای نوشت ساز، لحظه ای درنگ کنیم اندیشه های دوباره لازم است. زمان پس حساس است، وظیفه ما پس خطیر. قافله دراز شهیدان، آن زندان و مردان و کودکان، که خون خویش را بر چهره غربت ستمگر فروپاشیدند، تا بر آن آزاد آباد مستقل باشد، چشم بنگران شما نیست. بر شما چشم دوخته اند تا چه می کنید؟ آن نسیم که از هزار شهید می آید، پیامی با خود دارد. ما در خیابانها هر بار باران شدیم، زنجیر تا ناکاها بیکر ما را درهم پیچیدند، سر نیزه های سیاه امال از عشقمان را دریدند، تا مردم نبردند ما شهیدان در خون تپیده، خاگرا تو توی چشم کشیده، شمارا چشم در راهیما

این پیامها، صدای خلق قهرمان ایران همراهی می کند. خلقی که در امرو به دوازده انقلاب خود، رژیم شاهنشاهی را به گرد فرستاد و مذهب نیرومندش امریایسم خونخوار را تا یک راس کهچه انداخت. این خلق که در دستی برای مبارزه با امریایسم تفنگ دارد و به دست دیگر بیگانه و داس را برای نوسازی ایران میفشارد. باشما سخن می گویم. چنین می گوید:

پیام انقلاب را از یاد نبرید!
پیام انقلاب چیست؟ انقلاب چیست خواهد؟

مردم ایران که سالها بباران دراز شکیده شده اند، دست و پایی بهترین فرزندانش را بریده اند و تن های شریف مبارزانش را سوزانده اند، میخوانند که در قانون اساسی آینده، شاهان و جباران زیر چکمه های خون آلود پامال کرده اند، از آن قانون اساسی که شما می نویسید، طلب میکنند.

مردم ایران که سالها بباران دراز شکیده شده اند، دست و پایی بهترین فرزندانش را بریده اند و تن های شریف مبارزانش را سوزانده اند، میخوانند که در قانون اساسی آینده، شاهان و جباران زیر چکمه های خون آلود پامال کرده اند، از آن قانون اساسی که شما می نویسید، طلب میکنند.

مردم ایران که سالها بباران دراز شکیده شده اند، دست و پایی بهترین فرزندانش را بریده اند و تن های شریف مبارزانش را سوزانده اند، میخوانند که در قانون اساسی آینده، شاهان و جباران زیر چکمه های خون آلود پامال کرده اند، از آن قانون اساسی که شما می نویسید، طلب میکنند.

مردم ایران که سالها بباران دراز شکیده شده اند، دست و پایی بهترین فرزندانش را بریده اند و تن های شریف مبارزانش را سوزانده اند، میخوانند که در قانون اساسی آینده، شاهان و جباران زیر چکمه های خون آلود پامال کرده اند، از آن قانون اساسی که شما می نویسید، طلب میکنند.

مردم ایران که سالها بباران دراز شکیده شده اند، دست و پایی بهترین فرزندانش را بریده اند و تن های شریف مبارزانش را سوزانده اند، میخوانند که در قانون اساسی آینده، شاهان و جباران زیر چکمه های خون آلود پامال کرده اند، از آن قانون اساسی که شما می نویسید، طلب میکنند.

مردم ایران که سالها بباران دراز شکیده شده اند، دست و پایی بهترین فرزندانش را بریده اند و تن های شریف مبارزانش را سوزانده اند، میخوانند که در قانون اساسی آینده، شاهان و جباران زیر چکمه های خون آلود پامال کرده اند، از آن قانون اساسی که شما می نویسید، طلب میکنند.

مردم ایران که سالها بباران دراز شکیده شده اند، دست و پایی بهترین فرزندانش را بریده اند و تن های شریف مبارزانش را سوزانده اند، میخوانند که در قانون اساسی آینده، شاهان و جباران زیر چکمه های خون آلود پامال کرده اند، از آن قانون اساسی که شما می نویسید، طلب میکنند.

مردم ایران که سالها بباران دراز شکیده شده اند، دست و پایی بهترین فرزندانش را بریده اند و تن های شریف مبارزانش را سوزانده اند، میخوانند که در قانون اساسی آینده، شاهان و جباران زیر چکمه های خون آلود پامال کرده اند، از آن قانون اساسی که شما می نویسید، طلب میکنند.

مردم ایران که سالها بباران دراز شکیده شده اند، دست و پایی بهترین فرزندانش را بریده اند و تن های شریف مبارزانش را سوزانده اند، میخوانند که در قانون اساسی آینده، شاهان و جباران زیر چکمه های خون آلود پامال کرده اند، از آن قانون اساسی که شما می نویسید، طلب میکنند.

مردم ایران که سالها بباران دراز شکیده شده اند، دست و پایی بهترین فرزندانش را بریده اند و تن های شریف مبارزانش را سوزانده اند، میخوانند که در قانون اساسی آینده، شاهان و جباران زیر چکمه های خون آلود پامال کرده اند، از آن قانون اساسی که شما می نویسید، طلب میکنند.

مردم ایران که سالها بباران دراز شکیده شده اند، دست و پایی بهترین فرزندانش را بریده اند و تن های شریف مبارزانش را سوزانده اند، میخوانند که در قانون اساسی آینده، شاهان و جباران زیر چکمه های خون آلود پامال کرده اند، از آن قانون اساسی که شما می نویسید، طلب میکنند.

مردم ایران که سالها بباران دراز شکیده شده اند، دست و پایی بهترین فرزندانش را بریده اند و تن های شریف مبارزانش را سوزانده اند، میخوانند که در قانون اساسی آینده، شاهان و جباران زیر چکمه های خون آلود پامال کرده اند، از آن قانون اساسی که شما می نویسید، طلب میکنند.

مردم ایران که سالها بباران دراز شکیده شده اند، دست و پایی بهترین فرزندانش را بریده اند و تن های شریف مبارزانش را سوزانده اند، میخوانند که در قانون اساسی آینده، شاهان و جباران زیر چکمه های خون آلود پامال کرده اند، از آن قانون اساسی که شما می نویسید، طلب میکنند.

مردم ایران که سالها بباران دراز شکیده شده اند، دست و پایی بهترین فرزندانش را بریده اند و تن های شریف مبارزانش را سوزانده اند، میخوانند که در قانون اساسی آینده، شاهان و جباران زیر چکمه های خون آلود پامال کرده اند، از آن قانون اساسی که شما می نویسید، طلب میکنند.

مردم ایران که سالها بباران دراز شکیده شده اند، دست و پایی بهترین فرزندانش را بریده اند و تن های شریف مبارزانش را سوزانده اند، میخوانند که در قانون اساسی آینده، شاهان و جباران زیر چکمه های خون آلود پامال کرده اند، از آن قانون اساسی که شما می نویسید، طلب میکنند.

مردم ایران که سالها بباران دراز شکیده شده اند، دست و پایی بهترین فرزندانش را بریده اند و تن های شریف مبارزانش را سوزانده اند، میخوانند که در قانون اساسی آینده، شاهان و جباران زیر چکمه های خون آلود پامال کرده اند، از آن قانون اساسی که شما می نویسید، طلب میکنند.

مردم ایران که سالها بباران دراز شکیده شده اند، دست و پایی بهترین فرزندانش را بریده اند و تن های شریف مبارزانش را سوزانده اند، میخوانند که در قانون اساسی آینده، شاهان و جباران زیر چکمه های خون آلود پامال کرده اند، از آن قانون اساسی که شما می نویسید، طلب میکنند.

مردم ایران که سالها بباران دراز شکیده شده اند، دست و پایی بهترین فرزندانش را بریده اند و تن های شریف مبارزانش را سوزانده اند، میخوانند که در قانون اساسی آینده، شاهان و جباران زیر چکمه های خون آلود پامال کرده اند، از آن قانون اساسی که شما می نویسید، طلب میکنند.

مردم ایران که سالها بباران دراز شکیده شده اند، دست و پایی بهترین فرزندانش را بریده اند و تن های شریف مبارزانش را سوزانده اند، میخوانند که در قانون اساسی آینده، شاهان و جباران زیر چکمه های خون آلود پامال کرده اند، از آن قانون اساسی که شما می نویسید، طلب میکنند.

مردم ایران که سالها بباران دراز شکیده شده اند، دست و پایی بهترین فرزندانش را بریده اند و تن های شریف مبارزانش را سوزانده اند، میخوانند که در قانون اساسی آینده، شاهان و جباران زیر چکمه های خون آلود پامال کرده اند، از آن قانون اساسی که شما می نویسید، طلب میکنند.

مردم ایران که سالها بباران دراز شکیده شده اند، دست و پایی بهترین فرزندانش را بریده اند و تن های شریف مبارزانش را سوزانده اند، میخوانند که در قانون اساسی آینده، شاهان و جباران زیر چکمه های خون آلود پامال کرده اند، از آن قانون اساسی که شما می نویسید، طلب میکنند.

مردم ایران که سالها بباران دراز شکیده شده اند، دست و پایی بهترین فرزندانش را بریده اند و تن های شریف مبارزانش را سوزانده اند، میخوانند که در قانون اساسی آینده، شاهان و جباران زیر چکمه های خون آلود پامال کرده اند، از آن قانون اساسی که شما می نویسید، طلب میکنند.

مردم ایران که سالها بباران دراز شکیده شده اند، دست و پایی بهترین فرزندانش را بریده اند و تن های شریف مبارزانش را سوزانده اند، میخوانند که در قانون اساسی آینده، شاهان و جباران زیر چکمه های خون آلود پامال کرده اند، از آن قانون اساسی که شما می نویسید، طلب میکنند.

مردم ایران که سالها بباران دراز شکیده شده اند، دست و پایی بهترین فرزندانش را بریده اند و تن های شریف مبارزانش را سوزانده اند، میخوانند که در قانون اساسی آینده، شاهان و جباران زیر چکمه های خون آلود پامال کرده اند، از آن قانون اساسی که شما می نویسید، طلب میکنند.

مردم ایران که سالها بباران دراز شکیده شده اند، دست و پایی بهترین فرزندانش را بریده اند و تن های شریف مبارزانش را سوزانده اند، میخوانند که در قانون اساسی آینده، شاهان و جباران زیر چکمه های خون آلود پامال کرده اند، از آن قانون اساسی که شما می نویسید، طلب میکنند.

مردم ایران که سالها بباران دراز شکیده شده اند، دست و پایی بهترین فرزندانش را بریده اند و تن های شریف مبارزانش را سوزانده اند، میخوانند که در قانون اساسی آینده، شاهان و جباران زیر چکمه های خون آلود پامال کرده اند، از آن قانون اساسی که شما می نویسید، طلب میکنند.

مردم ایران که سالها بباران دراز شکیده شده اند، دست و پایی بهترین فرزندانش را بریده اند و تن های شریف مبارزانش را سوزانده اند، میخوانند که در قانون اساسی آینده، شاهان و جباران زیر چکمه های خون آلود پامال کرده اند، از آن قانون اساسی که شما می نویسید، طلب میکنند.

مردم ایران که سالها بباران دراز شکیده شده اند، دست و پایی بهترین فرزندانش را بریده اند و تن های شریف مبارزانش را سوزانده اند، میخوانند که در قانون اساسی آینده، شاهان و جباران زیر چکمه های خون آلود پامال کرده اند، از آن قانون اساسی که شما می نویسید، طلب میکنند.

سخنی درباره شناخت جامعه ایران (۳)

برخی مشخصات فرهنگ در تاریخ کشور ما

از: احسان طبری

از جهت دوره بندی تاریخ باید گفت که فرهنگ مادی و معنوی (کولتور) بسیار کهنسال کشور ما، مراحل گونه گونی را گذرانده است. می توان آنرا به اقلیم آریایی و پس از آمدن آریاها به فلات ایران تقسیم کرد. فرهنگ دوران پس از آمدن آریاها به فلات ایران نیز معمولاً به قبل و بعد از اسلام، و فرهنگ پیش از اسلام، به فرهنگ هخامنشی، دوران سلوکی، دوران اشکانی، دوران ساسانی تقسیم پذیر است. دوران پس از اسلام را معمولاً بدوران قبل و پس از ایلخان تقسیم می کنند.

در دوران قبل از مغول نوزائی یا «رنسانس شرق» (را) که فرهنگ چهارم نامیده می شود، در بر می گیرد. در دوران پس از مغول، فرهنگ دوران صفوی و دوران قاجار قابل ذکر است. انقلاب مشروطیت ما را واحد عصر نوی است که تکامل فرهنگ کرد و مهر و نشان سرمایه داری و نیز تأثیرات نواستعماری را با خود دارد. انقلاب اخیر ایران میتواند در این امر یک تحول کیفی ایجاد کند. باید دید، به دست ساز فرهنگ ایران سرگشت دراز و متنوع، و فراز و نشیبها، جلوه ها و خاموشی ها داشته و از اجزاء مهم فرهنگ جهانی بوده است.

فرهنگ مادی و معنوی ما طی همه این ادوار، رنگ خاصی داشته که به مشخصات اقلیمی سرزمین، بدرجه تکامل جامعه و به کیفیت نظام اجتماعی حاکم، متأثر فرهنگهای دیگران، و به تجلی مشخصات ویژه روانی و فکری خلق های ایران بستگی دارد.

این فرهنگ بطور کلی و علیرغم افت و خیزها، یک مسیر اعتدالی و استقامتی را طی کرده و قدم بدینجهت دراز چنان شده است و این امر علیرغم آنکه کوهنپس است که فرهنگ ایران سرگشت دراز و متنوع، و فراز و نشیبها، جلوه ها و خاموشی ها داشته و از اجزاء مهم فرهنگ جهانی بوده است.

این فرهنگ بطور کلی و علیرغم افت و خیزها، یک مسیر اعتدالی و استقامتی را طی کرده و قدم بدینجهت دراز چنان شده است و این امر علیرغم آنکه کوهنپس است که فرهنگ ایران سرگشت دراز و متنوع، و فراز و نشیبها، جلوه ها و خاموشی ها داشته و از اجزاء مهم فرهنگ جهانی بوده است.

این فرهنگ بطور کلی و علیرغم افت و خیزها، یک مسیر اعتدالی و استقامتی را طی کرده و قدم بدینجهت دراز چنان شده است و این امر علیرغم آنکه کوهنپس است که فرهنگ ایران سرگشت دراز و متنوع، و فراز و نشیبها، جلوه ها و خاموشی ها داشته و از اجزاء مهم فرهنگ جهانی بوده است.

این فرهنگ بطور کلی و علیرغم افت و خیزها، یک مسیر اعتدالی و استقامتی را طی کرده و قدم بدینجهت دراز چنان شده است و این امر علیرغم آنکه کوهنپس است که فرهنگ ایران سرگشت دراز و متنوع، و فراز و نشیبها، جلوه ها و خاموشی ها داشته و از اجزاء مهم فرهنگ جهانی بوده است.

این فرهنگ بطور کلی و علیرغم افت و خیزها، یک مسیر اعتدالی و استقامتی را طی کرده و قدم بدینجهت دراز چنان شده است و این امر علیرغم آنکه کوهنپس است که فرهنگ ایران سرگشت دراز و متنوع، و فراز و نشیبها، جلوه ها و خاموشی ها داشته و از اجزاء مهم فرهنگ جهانی بوده است.

این فرهنگ بطور کلی و علیرغم افت و خیزها، یک مسیر اعتدالی و استقامتی را طی کرده و قدم بدینجهت دراز چنان شده است و این امر علیرغم آنکه کوهنپس است که فرهنگ ایران سرگشت دراز و متنوع، و فراز و نشیبها، جلوه ها و خاموشی ها داشته و از اجزاء مهم فرهنگ جهانی بوده است.

این فرهنگ بطور کلی و علیرغم افت و خیزها، یک مسیر اعتدالی و استقامتی را طی کرده و قدم بدینجهت دراز چنان شده است و این امر علیرغم آنکه کوهنپس است که فرهنگ ایران سرگشت دراز و متنوع، و فراز و نشیبها، جلوه ها و خاموشی ها داشته و از اجزاء مهم فرهنگ جهانی بوده است.

این فرهنگ بطور کلی و علیرغم افت و خیزها، یک مسیر اعتدالی و استقامتی را طی کرده و قدم بدینجهت دراز چنان شده است و این امر علیرغم آنکه کوهنپس است که فرهنگ ایران سرگشت دراز و متنوع، و فراز و نشیبها، جلوه ها و خاموشی ها داشته و از اجزاء مهم فرهنگ جهانی بوده است.

این فرهنگ بطور کلی و علیرغم افت و خیزها، یک مسیر اعتدالی و استقامتی را طی کرده و قدم بدینجهت دراز چنان شده است و این امر علیرغم آنکه کوهنپس است که فرهنگ ایران سرگشت دراز و متنوع، و فراز و نشیبها، جلوه ها و خاموشی ها داشته و از اجزاء مهم فرهنگ جهانی بوده است.

۳- یکی دیگر از مشخصات فرهنگ ما نازائی نوزائی است، یعنی این نوزائی نتوانست درام یابد و بشهر نشیند. در ناسان شرق، که غولانی ماند رازی، ابن سینا، ابوریحان، فارابی، طبری مؤرخ، فردوسی، رودکی، بهمنی، عروضی، خیام، ناصر خسرو، مسعود سعد، نظام الملک، بهمنیار، فرات الدین جمشید، فرخی، مولوی، نظامی، سعدی، حافظ ودهها نام درخشان دیگر در متنوع ترین عصره ها داده است. بعدها نتوانست با همان خلاقیت بکرسود ادامه دهد؛ علت چیست، ایلخان مغول؛ شرایط اقلیمی و جغرافیائی؛ مشخصات روحی و ویژه ایرانیان؛ استبداد شرقی؛ همه آنها؟

آنچه مسلم است «رنسانس شرق» پس از جنگهای صلیبی در غرب اثر گذاشت و زمینهای مساعد برای رشد یافتند «عصر نو» را پدید آورد و به تمدن صنعتی معاصر رسید، ولی نزد ما فروخشکید و حتی رویه تندی رفت.

روشن است که چون حادثه ای دارای علت یکجانبه نیست و علل آن گوناگون است. ایلخان اقوام مهاجم و تضاد دائمی ساکن و کوچنده در داخل، بهمراه دشواریهای اقلیمی، مسلماً از علل مهم است، ولی از علل منصرف نیست. درخش مجدد این تمدن در بهترین دوران صفوی، بعلت رویارویی آن با سیر تکاملی سریع غرب، درخش پذیر بود و آنچه متروک ماند.

اکنون که ایران پس از ندری رویکرد وارد شد همه گیر تکامل فرهنگی جهانی میشود، اگر راه تکامل اجتماعی خود را بدرستی بیابد، قادر خواهد بود از سازندگان مسدود این فرهنگ شود، زیرا دارای ذخیره تاریخی مهمی است. ما در نیمه قرن نوزدهم به این فراگیری فرهنگی روی می آوریم، ولی نیز استعداد استبداد مانع شده که پس از نیش از یک سده کمر راست کنیم و هنوز در مراحل ابتدائی هستیم.

۴- برخی مورخان و جامعه شناسان دوست دارند از تنوع ویژگیهای خاص روح ایرانی، که گویا روشگردگر گوئیهای فرهنگ ما است سخن گویند. مثلاً اینکه ما ایرانیان گویا ذاتاً مقلدیم، شباهت نزدیم، سطحی هستیم، راحسططیم، با غیرکس، به بنادرون و پستان افراطی، ما از نیروی خاصی بهره داریم. قدرت دماغی زکری داریم، معده نیرومند ما همه چیز را از خود میسازد و غیره. ای چه باشد میشنوید که حوادث تاریخ کشور ما را با اشاره به این مشخصات روحی توضیح میدهند.

سخن از وجود مشخصات عمومی روانی برای یک قوم، باره نامزدهای حزب توده سخن یازده نیست. وحدت شرایط جغرافیائی و اقلیمی، شرکت در حوادث تاریخی، وحدت سنن مذهبی و اخلاقی و زبانی (که خود نه تنها ویژگی است، بلکه مؤثر در شیوه تفکرات) و غیره و غیره میتواند برای مدتی مشخصاتی همانند ایجاد کند. میتوان این مشخصات روحی مشترک را شناخت (کاری که دشوار است و علمیت آن غالباً مشکوک) و میتوان نقش آنها را در نظر گرفت، ولی آنها نباید اولویت داده، به آنها نباید برپا داد، به آنها نباید مطلقیت بخشید. اولیویت در تمایز این ویژگیهای اجتماعی، با ساخت و نظام اجتماعی- طبقاتی و درجه رشد نیروهای مولد است. حوادث مشخص تاریخی و گسترد ویسوت تمدن ما و خلقها، بر اساس این زمینه، مهر و نشان خود را میگذارد. «مختصات روحی» نیز البته در این زمینه جایی مییابد. والا تصور قومی همانند همنگون و همگونی اجتماعی می تواند تغییر نا پذیر، که گویا طی تاریخ موافق آن کشت و واکنش کرده است، تصور نادرستی است. شاید کسی مطلب را باین درجه مطرح نکند، ولی حتی طرح مسائل در درجات محتاط تری از این دیدگاه، قابل اعتماد علمی نیست.

۵- در فرهنگ ما، زبان فارسی جای مهمی دارد، مانند فرانسوی در قرون وسطی و جدید. فارسی پس از اسلام، در عصرهای از هند تا روم (زن کیه) زبان ادبی بود. در کنار عربی، که زبان علمی و دینی بود، این زبان نقش یوننده و زمینه عینی ایجاد کرد و به همین جهت گلستان سعدی و غزل حافظ را در یک هفتک بسیار وسیع مدتی قابل درک و استفاده می کرد.

امروز زبان فارسی از این دامنه تأثیر محروم است و حتی در فلات ایران نیز با اینزیرادج گیری زبانهای دیگر، مانند آذربایجانی، ترکی، کردی، بلوچی و غیره روبروست. فرانسه نیز در اروپا همین شرایطی که برشالودن آن شرایطی که تمامی مردم بتوانند بفعل و حرفه مورد علاقه خود دست یابند و همچنین در حال حاضر کمک به تنظیم باره در تشکیل اتحادیه های صنفی و حرفه ای برای کلیه کارگران و زحمتکشندان شهر و ده صحبت کرد.

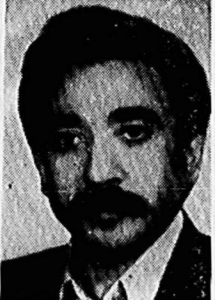
آینده فارسی بسته است به آینده نظام اجتماعی در ایران، اگر ایران واقعاً در شاهراه استقلال و دمکراسی، ترقی اقتصادی و فرهنگی گام گذارد، فارسی را در یکی بخت آنرا خواهد داشت که به یکی از زبانهای مهم متعلق بدل شود.

۶- ما حتی داریم به جلوه های عالی فرهنگ مادی و معنوی خود ببالم. ولی تنها با لیدن کافی نیست. باید عناصر نیاز، زایا و باریا را از این فرهنگ گرفت و آنرا در پیوند با فرهنگ غیر نظامی امروزین جهان بریلو داد. فرهنگ ما با سرعت نسبی ادامه یافت، ولی سیاست سلطه پهلوی در این زمینه موج، ناپسند و گاه ویرانگر بود. باید دید که این عناصر زیا و باریا را در فرهنگ ما ماکند اما باید دید که چگونه باید فرهنگ ایران را با فرهنگ امروزین پیوند داد باید دید که فرهنگ امروزین را چگونه باید دورچه محدود و باجه الملوب باید فرا گرفت، چه جز «فرق زدگی» است و چه چیز «شرق زدگی» (که از اولی ابداً بهتر نیست) است؟

۱ سرانجام، سیاست فرهنگ ما کدام است؟ اینها مسائلی است که ذری است طرح شده و در باره آنها سخن و گامی سخن آرزیده کم نگفته اند. ولی هنوز مسئله در انتظار حل منطقی است و آن حل منطقی بنویسند در نظر ما اقدام بگیرد و عملی واقع در تاریخ ما نظر گیر است.

این فرهنگ بطور کلی و علیرغم افت و خیزها، یک مسیر اعتدالی و استقامتی را طی کرده و قدم بدینجهت دراز چنان شده است و این امر علیرغم آنکه کوهنپس است که فرهنگ ایران سرگشت دراز و متنوع، و فراز و نشیبها، جلوه ها و خاموشی ها داشته و از اجزاء مهم فرهنگ جهانی بوده است.

رفیق آصف زرمذیده، نامزد حزب توده ایران برای نمایندگی در مجلس خبرگان از صدای جمهوری اسلامی ایران



درویشیکشن ۷ مرداد ماساعت ۳ بعد ازظهر، رفیق آصف زرمذیده، کارگر میسارد، پرورده مکتب طبقه کارگر و خزنش، نامزد حزب توده ایران برای مجلس بررسی نهائی پیش نویس قانون اساسی از صدای جمهوری اسلامی ایران، با مسرود ایران سخن گفت. وی چنین آغاز سخن نمود:

سلام پس هموطنان عزیز! برای ایجاب آصف زرمذیده، عضو کمیته حزب توده ایران، اهمیت این مسائل آشنات. رفیق آصف زرمذیده نامزد حزب ما برای انتخابات تهران، میرسد با روح خود مختاری خلقهای ایران در چارچوب وحدت نظریات و اندیشه های حزب ما، با حفظ آزادی استقلال اساسی و تمامیت ارضی ایران، برادران همین خود برنام.

رفیق آصف سیرد باره مسائل اقتصادی و فرهنگی و اداری خلفهادر همچنین تشکیل شوراهای محلی در واحدهای ملی را گوشزد نموده که در قانون اساسی باید درقت این امور ذکر شود.

رفیق زرمذیده پس مسئله آزادیهای دمکراتیک در مجلس و در شوراهای محلی و توجیه کرد و آنگاه اهمیت نشان ساخت و اصول عقیدتی یک سیاست خارجی منطقی غیر معهود و سلججویانه را که، باید در قانون اساسی ذکر گردد، بر شمرده.

سپس درباره مسائل رفاهی نظیر مسکن، آب و برق و توجیه کرد و آنگاه اهمیت نوع جکی و روانی این مسدوع اعلام کرد، سخن از افرادی که در دولت در جمهوری اسلامی ایران، در زمینه ایستاد شرایطی که برشالودن آن تمامی مردم بتوانند بفعل و حرفه مورد علاقه خود دست یابند و همچنین در حال حاضر کمک به تنظیم باره در تشکیل اتحادیه های صنفی و حرفه ای برای کلیه کارگران و زحمتکشندان شهر و ده صحبت کرد.

رفیق زرمذیده، که هیبتان در این مسائل کارگری کشور است، بویژه به وحدت و

از کمک دوستان و رفقا سپاسگزاریم

دارا از کرک ۱۰۰۰ ریال

سجایی (یک خانواده هوادار حزب) ۲۷۵۰ ریال

یک هوادار حزب در کرک ۵۰۰۰۰ ریال

مریم مدائنی (برای حزب روزبه) ۵۰۰۰ ریال

راما سندیجی ۱۰۰۰ ریال

ا.ع ۲۰۰۰ ریال

رضا یک دستگاه ماشین تحریر

هوادران حزب در کرب و رجوع (آلمان فدرال) ۵۹۰ مارک آلمان فدرال

نامزدهای مجلس خبرگان! مردم ایران باشما سخن می گویند!

هموطنان عزیز! نامه ده های مجلس خبرگان!

اکنون، در این روزهای نوشت ساز، لحظه ای درنگ کنیم اندیشه های دوباره لازم است. زمان پس حساس است، وظیفه ما پس خطیر. قافله دراز شهیدان، آن زندان و مردان و کودکان، که خون خویش را بر چهره غربت ستمگر فروپاشیدند، تا بر آن آزاد آباد مستقل باشد، چشم بنگران شما نیست. بر شما چشم دوخته اند تا چه می کنید؟ آن نسیم که از هزار شهید می آید، پیامی با خود دارد. ما در خیابانها هر بار باران شدیم، زنجیر تا ناکاها بیکر ما را درهم پیچیدند، سر نیزه های سیاه امال از عشقمان را دریدند، تا مردم نبردند ما شهیدان در خون تپیده، خاگرا تو توی چشم کشیده، شمارا چشم در راهیما

این پیامها، صدای خلق قهرمان ایران همراهی می کند. خلقی که در امرو به دوازده انقلاب خود، رژیم شاهنشاهی را به گرد فرستاد و مذهب نیرومندش امریایسم خونخوار را تا یک راس کهچه انداخت. این خلق که در دستی برای مبارزه با امریایسم تفنگ دارد و به دست دیگر بیگانه و داس را برای نوسازی ایران میفشارد. باشما سخن می گویم. چنین می گوید:

پیام انقلاب را از یاد نبرید!
پیام انقلاب چیست؟ انقلاب چیست خواهد؟

مردم ایران که سالها بباران دراز شکیده شده اند، دست و پایی بهترین فرزندانش را بریده اند و تن های شریف مبارزانش را سوزانده اند، میخوانند که در قانون اساسی آینده، شاهان و جباران زیر چکمه های خون آلود پامال کرده اند، از آن قانون اساسی که شما می نویسید، طلب میکنند.

مردم ایران که سالها بباران دراز شکیده شده اند، دست و پایی بهترین فرزندانش را بریده اند و تن های شریف مبارزانش را سوزانده اند، میخوانند که در قانون اساسی آینده، شاهان و جباران زیر چکمه های خون آلود پامال کرده اند، از آن قانون اساسی که شما می نویسید، طلب میکنند.

مردم ایران که سالها بباران دراز شکیده شده اند، دست و پایی بهترین فرزندانش را بریده اند و تن های شریف مبارزانش را سوزانده اند، میخوانند که در قانون اساسی آینده، شاهان و جباران زیر چکمه های خون آلود پامال کرده اند، از آن قانون اساسی که شما می نویسید، طلب میکنند.

مردم ایران که سالها بباران دراز شکیده شده اند، دست و پایی بهترین فرزندانش را بریده اند و تن های شریف مبارزانش را سوزانده اند، میخوانند که در قانون اساسی آینده، شاهان و جباران زیر چکمه های خون آلود پامال کرده اند، از آن قانون اساسی که شما می نویسید، طلب میکنند.

مردم ایران که سالها بباران دراز شکیده شده اند، دست و پایی بهترین فرزندانش را بریده اند و تن های شریف مبارزانش را سوزانده اند، میخوانند که در قانون اساسی آینده، شاهان و جباران زیر چکمه های خون آلود پامال کرده اند، از آن قانون اساسی که شما می نویسید، طلب میکنند.

مردم ایران که سالها بباران دراز شکیده شده اند، دست و پایی بهترین فرزندانش را بریده اند و تن های شریف مبارزانش را سوزانده اند، میخوانند که در قانون اساسی آینده، شاهان و جباران زیر چکمه های خون آلود پامال کرده اند، از آن قانون اساسی که شما می نویسید، طلب میکنند.

مردم ایران که سالها بباران دراز شکیده شده اند، دست و پایی بهترین فرزندانش را بریده اند و تن های شریف مبارزانش را سوزانده اند، میخوانند که در قانون اساسی آینده، شاهان و جباران زیر چکمه های خون آلود پامال کرده اند، از آن قانون اساسی که شما می نویسید، طلب میکنند.

مردم ایران که سالها بباران دراز شکیده شده اند، دست و پایی بهترین فرزندانش را بریده اند و تن های شریف مبارزانش را سوزانده اند، میخوانند که در قانون اساسی آینده، شاهان و جباران زیر چکمه های خون آلود پامال کرده اند، از آن قانون اساسی که شما می نویسید، طلب میکنند.

مردم ایران که سالها بباران دراز شکیده شده اند، دست و پایی بهترین فرزندانش را بریده اند و تن های شریف مبارزانش را سوزانده اند، میخوانند که در قانون اساسی آینده، شاهان و جباران زیر چکمه های خون آلود پامال کرده اند، از آن قانون اساسی که شما می نویسید، طلب میکنند.

مردم ایران که سالها بباران دراز شکیده شده اند، دست و پایی بهترین فرزندانش را بریده اند و تن های شریف مبارزانش را سوزانده اند، میخوانند که در قانون اساسی آینده، شاهان و جباران زیر چکمه های خون آلود پامال کرده اند، از آن قانون اساسی که شما می نویسید، طلب میکنند.

مردم ایران که سالها بباران

وحدت عمل در برابر ضدانقلاب

آنچه ورد زبان همه است و در عمل خلاف آن دیده می شود

رشد دشمن مشترک، مبارزه برای خواستهای مشترک است. اختلافات هم در محیط بحثهای سالم و عاری از جنبجال و هياهو تهمت زنی های تفرقه افکن نمیتواند و باید عرضه شود. اما این اختلاف نظرها در راه و روش آینده انقلاب نمیتواند و نباید جلو وحدت عمل در برابر دشمن مشترک را بگیرد.

در اینکه در دوران نیرومسی انقلابی به دربار آمده انقلاب و راهی که انقلاب با آن آغاز نگردد و به مرحله سازندگی قدم نکند، اختلاف جدی وجود دارد، نزدیکی نیست و وجود این اختلاف به ناشی از موضوع طبقاتی نیروهای است که در یک مرحله معین، دست بدستهم، بزرگترین سنگ، یعنی دستگام سلطنتی را، که با یکآمات امپریالیزم بود، به تصرف آوردند، ولی اینجها حرف بر سر خطری است که با شکل گوناگون انقلاب را در اساس آن تهدید میکند و در برابر این خطر، تمام نیروهای انقلابی، علیرغم تمام اختلاف نظرها و اختلاف دیدن لوژیها نمیتوانند با طرح یک برنامه عمل مشترک و قابل قبول برای همه، انقلاب را از زیر ضربت دشمن خارج سازند و با سرکوب شدن انقلاب، زمینه مناسبی و کارزاری برای عرضه کردن راه حل های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی فراهم کنند، بدون اینکه لازم شود هر یک از نیروها موضوع خود را ترک گویند.

بازهم فشار به دهقانان از طرف خواین

در اکثر روستاهای

منطقه سوخته، اطراف پادنا، پیشتر فتودها و سران عشار به آزار و اذیت دهقانان پرداخته و با تهدید آنها رامجبور میکنند که نیبی از زمینهای را که در جریان اصلاحات ارضی به دهقانان همه یکدست و همه دارای منافع مشترک انداخته خورا با کمال تأسف باید گفت که دشمنان انقلاب، با همه بخوبی خود، در این زمینه خاص، خود را در آنقدر عاقل نشان میدهند، و در حال حاضر میباید مشاهده کرد که هر گونه اختلاف نظری، باید در مقابل انقلاب دست به بدست هم بدهند و در یک صف واحد قرار گیرند.

چرا نیروهای انقلابی این در برابر این در برابر این تکرارند؟ چرا برخی نیروهای انقلابی در این تکرارند؟ برای وحدت عمل، لافاقل در یک زمینه واحد، در زمینه مقابله با ضدانقلاب درمیکند، نادیده میگیرند و با باشوهر پرچجال، افترا و دشنام با آن برخورد میکنند؛ مسئول اینکده تا کنون همه فریادهای «وحدت»، «وحدت»، قسطن در صفحات کاذف محدود مسمانه و بهیچ نتیجه عملی نرسیده، کیها هستند؟ آیا آنها کسه در این راه سنگ می اندازند، به مسئولیت خطیر خود واقفند؟ آید میدانند که خواهد میریزند؟

دشمنان همانطور که تصریح شده، ما نه خود چینی خود عدول کنیم و نه از دیگری نیروهای انقلابی، که نظریاتی مختلف در این زمینه دارند، بهیچین انتظاری نداریم، اما چنبا معتقدیم که همه ما می توانیم، با حفظ مواضع ایدئولوژیک خود، در یک زمینه با هم مشترکاً عمل کنیم؛ در زمینه مقابله مؤثر و موفقیت آمیز با ضد انقلاب. ما معتقدیم که درمادامه مواضع ایدئولوژیک، متوازنیم در یک گروه آبی برنامه عمل مشترک برای بنابر آوردن در پیشه کن کسند ضد انقلاب طرح و بر اساس آن مشترکاً عمل کنیم تا دوران گذاری را که در فکری روی ما است، با پیروزی پایان برسانیم. شما چه دیگر می کنید؟

رشد دشمن مشترک، مبارزه برای خواستهای مشترک است. اختلافات هم در محیط بحثهای سالم و عاری از جنبجال و هياهو تهمت زنی های تفرقه افکن نمیتواند و باید عرضه شود. اما این اختلاف نظرها در راه و روش آینده انقلاب نمیتواند و نباید جلو وحدت عمل در برابر دشمن مشترک را بگیرد.

در اینکه در دوران نیرومسی انقلابی به دربار آمده انقلاب و راهی که انقلاب با آن آغاز نگردد و به مرحله سازندگی قدم نکند، اختلاف جدی وجود دارد، نزدیکی نیست و وجود این اختلاف به ناشی از موضوع طبقاتی نیروهای است که در یک مرحله معین، دست بدستهم، بزرگترین سنگ، یعنی دستگام سلطنتی را، که با یکآمات امپریالیزم بود، به تصرف آوردند، ولی اینجها حرف بر سر خطری است که با شکل گوناگون انقلاب را در اساس آن تهدید میکند و در برابر این خطر، تمام نیروهای انقلابی، علیرغم تمام اختلاف نظرها و اختلاف دیدن لوژیها نمیتوانند با طرح یک برنامه عمل مشترک و قابل قبول برای همه، انقلاب را از زیر ضربت دشمن خارج سازند و با سرکوب شدن انقلاب، زمینه مناسبی و کارزاری برای عرضه کردن راه حل های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی فراهم کنند، بدون اینکه لازم شود هر یک از نیروها موضوع خود را ترک گویند.

وقتی در باره لزوم وحدت عمل در برابر ضد انقلاب صحبت بهمان میاید، اساساً حرف بر سر وحدت و صداق و صمیمی نسبت با انقلاب در بین آنها فراوان است، اینست که، دوشمنان شما با ادامه این روش نه تنها به، بلکه بی شان آن، همان انقلابی که برسان مؤمن

دومینار رابط بین دولت و صنایع گفته شد: استفاده از کوره بلند در ایران اقتصادی تر است

دومینار رابط بین دولت و صنایع در دانشکاه علم و صنعت تشکیل شد.

در این دومینار، دکتر حسن زاده، رابط کمیته اولیاژ و سنش (مقاله لوزی) در باره استفاده از کوره بلند در ذوب آهن سخن گفت و اعلام کرد که کوره بلند، برای ذوب آهن در شرایط کنونی کشور، به مراتب، بر روش احیاء مستقیم ارجحیت دارد.

او گفت، قطعات یدکی ماشینهای احیاء مستقیم انحصاراً توسط دو کشور ساخته میشود. در حالی که تعداد زیادی از کوره ما دارای کوره بلند هستند و اگر کورههای قطعات یدکی آنها به ما تفریح، می توانند از کوره دیگری بهریم. از نظر اقتصادی هم قیمت تمام شده در روش احیاء مستقیم بسیار گرانتر از روش کوره بلند است.

رژیم شاه ۴ نوع کارخانه را برای استفاده از روش احیاء مستقیم باین خاطر در ایران وجود آورد که استفاده از آن سفیدتری در روش احیاء مستقیم در مرحله آزمایش بود و بهر دلیل مستحکم میخواستند با استفاده از انرژی و نیروی کار ایران این آزمایش را انجام دهند. در حال حاضر ذوب آهن اهواز مقدار زیادی آهن سفیدی تولید میکند که همه آن آنها می شود. از طرف دیگر شاه مخلوع با شایع کردن این دروغ کمینک مدن های ایران سفیدی است، شروع کرد به نظر اقتصادی هم قیمت تمام شده در روش احیاء مستقیم بسیار گرانتر از روش کوره بلند است.

چرا از این راه - هم - دارانش کشف نکردند، درواپسنگی آنها بهر رژیم گذشته و به امپریالیسم امریکایی نیست، پس دولت چه خیالی دارد؟ نکند فقط قصد دارند که برای شکست صاحب پیدا کنند و دوباره شرکت وارد کردن سنگ معدن احیا شده از هندوستان و باین ترتیب به این کشور باج داد تا در مقابل اعذای شاه مخلوع که میگفت قدرت اول منطقه است، سکوت کند.

آیا کارخانه اراج ملی خواهد شد یا نه؟

بعد از اعلام ملی شدن صنایع شای عظیمی به کارگران کارخانه اراج دست داد همه خوشحال بودند، ولی این خوشحالی مدت زیادی طول نکشید، چون متوجه شدند که کارخانه اراج هنوز ملی نشده است و با شایع هم اسلامی نشده. همه متعجب میگردند که چرا این کارگاه که در روزهای گذشته ملی شده، چرا از این راه - هم - دارانش کشف نکردند، درواپسنگی آنها بهر رژیم گذشته و به امپریالیسم امریکایی نیست، پس دولت چه خیالی دارد؟ نکند فقط قصد دارند که برای شکست صاحب پیدا کنند و دوباره شرکت وارد کردن سنگ معدن احیا شده از هندوستان و باین ترتیب به این کشور باج داد تا در مقابل اعذای شاه مخلوع که میگفت قدرت اول منطقه است، سکوت کند.

۲- پرداخت حق مسکن، حق اولاد، هزینه خواروبار طبق قانون وزارت کار،

۳- افزایش مرخصی سالانه به مدت یکماه،

۴- تهیه خدمات درمانی برای تمام کارگران و خانواده آنان،

۵- لغو قرارداد تحمیلی سال جاری که بعضی از کارگران از روی فریب و ناآگاهی آنرا امضاء کرده اند،

۶- تهیه سرویس ایاب وذهاب برای کارگران،

۷- پرداخت مزایای عقب افتاده چند سال گذشته،

۸- پرداخت حقوق در آخر هر ماه.

نمایندگان کارگران شرکت سیام

اخبار کارگری

قطعنامه کارگران شرکت سیام سنج

اگر به ما کارگران اسفالت کار که باقی وقت سروکار داریم، نگاه کنید، از قبایلهای رنج کشیده و لبایه های قیری و ساهان به کار سخت و طاقت فرسای ما می توان بی پرس، گرچه سختی کار، زمستان و تابستان نمی پرسد، اما حال کارگری حوا مشکلات ما را دور بر ایمان میکند. در پای بنگاههای ذوب آهن از سر و دریمان عرق می ریزد، در مقابل، دم زدن از حق و حقوق یا پاهای شمشیران گناه محسوب میشود. ما کارگران شرکت سیام وقتی به صنعتیهای خودمان را با مسئولین شرکت در میان گذاشتیم، اصلاً هیچ خبری نبودند و اینطور وانمود کردند که کار شرکت روزه تمام است و اگر ما بپیکری کنیم شرکت را می خواهد بکشند. بطور کلی این روش سرمایه داران است که همیشه می خواهند کاری بکنند که کارگران محتاج کار فرمایان باشند.

فشار زندگی روز بروز به کارگران بیشتر میشود و دولت به خواستهای آنان بی توجه است. ما به مسئولین شرکت می گویم که در فلنگهای آنها نمی تواند خواستهای ما را در بی جواب بگذارد. شرکت منور و وقتی ۶ سال پیش کارش را در دستنجد شروع کرد که فقط صاحب یک تراکتور بوده ما می پرسیم اگر کسی سود نداشته و ندارد، پس این همه ماشین فلنگ و کمپرسی دستگام های اسفالت که در کارگاه شرکت موجودند، از کجا آمده اند؟ اینها که از زمین فرو رینداند، بلکه از سود شرکت که حاصل دستنجد مسافت خریداری شده اند.

ما خواستهای خود را به شرح زیر اعلام میداریم و از مسئولین شرکت می خواهیم که هر چه زودتر خواستهای ما را بررسی کرده و پیگیری این حداقل خواستهای ما باشند، در غیر این صورت ما را مجبور خواهند کرد که به اقدامات دیگری که خود صلاح میدانیم دست بزنیم،

۱- حداقل دستمزد کارگر ساده ۶۰ تومان در مقابل ۸ ساعت کار و بهمین میزان به حقوق کارگران فنی اضافه شود.

مردم و مردم

بنابر گزارش که از

شهر کسرد رسیده، مدتی است که بعقت تمویض بی در بی دودانستان انقلاب، تغییراتی در مورد خط مشی قضایتهای دادستانی شهر- کرد بوجود آمده، کسه نه در جهت انقلاب و نه مورد تأیید مردم محلی است، که این خود باعث بدبینی نسبت به اعمال مسئولین میگردد.

از جمله این اقدامات آزداسختن شخصی بپشام فرج الله قاسمی از زندان انداخته، آنها میروند، است که یکی از یساران سپاه نزدیک و وفادار دکتی رئیس، وکیل مجلس شورای ملی سابق و یکی از کسان میروزه، وی اظهار عقیده میکند که دشمنان بهریری سیاه ساواک در لباس ذوائی چپ و راست عمل میکنند، وی طرف رهبری انقلاب در دوران انقلاب اعلام عزای ساخته است.

آقای یحیی بفا (۲) ضمن ابراز تمایل به همکاری بیشتر و یادآوری اینکه در اجتماعات مختلف حزب شرکت کرده، میبویسد، در مراسم یادبود شهیدای ۳۰ تیر شاهد حمله اوایش بود، وی بترحم جریان، بخصوص نقش تحریک زهن های ایرانیها را، گفته در اصلاحات ارضی تقسیم شده، به صاحبان قبلی بازگرداند، بگفته یکی از دهقانان این منطقه بنام علی با برآمدی حسمون خان زکی پور یکی از این گروه فتودالهاست، اولون پاسخ میبایست با این گونه اقدامات ضد انقلابی آنست که رسماً در هر حق زودتر اعلام شود که دولت مسئولها را از آن خود دهقانان مکزیمجمول از مال خود دهقانان میداند، باید هر چه سریعتر اعلام شود که دیگر زمان سالمه و غارت مال کهن بزرگ و خواران نگذشت، تا خود بازگشت زمینها را نبینند و بداندند که دولت چهوردی اسلامی ایران زمین را مال خود دهقانان میداند و بقیه زمینها را که مستقلاً شده و در دست مالکان مانده، به دهقانان زمینکشی بی زمین و خوش نشینان خود-بار کشاورزی خواهد داد.

بهادر در نامه خود میبویسد، «تحریکات عوامل دولت چین بر شد جمهوری نو بنیاد خلق افغانستان موجب تأسف و حیرت است.» وی درباره شورویجان مردم سراسر جهان در سال ۱۹۴۹ بهتکام پیروزی انقلاب چین میبویسد اضافه میکند، «چگونه امروز عملا دولتیان چین بیاری امپریالیزم امریکا شناخته اند و اینرا با هیچ معیاری نمیتوان توجیه کرد.» وی از راه اتحاد همه نیروی مخالف با امپریالیسم را خاطر نشان میسازد.

درباره مقاله مربوط به «وطن ملی» عکس العملی مثبت بسیاری دریافت کرده ایم. دوست ما م. که از آن جمله است، ضمن اضافه میکند که تحمیلی جامع بود و طرح عالی، ولی چاره دارا آن تأخیر کردید؛ وی خودستار طرح های مشابه در همه زمینه ها است که امپریالیزم با کمک همه دست انداران و متعصبان و با در نظر گرفتن کلیه جوانب امکانات و بطور عملی و دقیق تهیه شود و با حسن مسئولیت ارائه گردد. در این باره کوشش میکنیم.

ضمناً به تجربی ۲۳ تیر مربوط به دو حادته تاریخی است، یکی در سال ۲۵ و دیگری در سال ۳۰ درباره ۲۳ تیر ۱۳۲۵ ما قبلاً نیز مطلب نوشته و توضیح داده بودیم، می توانید به آن رجوع کنید.

آقای حسین ع. نامه شما رسیده. از بابی شما از مردم« مشوقست. درباره ذوب آهن دوست ما متذکر میشود که در وقت کارکنان در تمام هفت موسسه و معدن و کارخانه و ایستایشراز هفتاد هزار نفر است. آقای حسین ع. ضمن هشدار نسبت به خطر ساواکها میبویسد، پس لشکر مصطفی با تنهاج، با زیر س داستانی، که از همکاران شکنجه گرانسی چون زمانی وسپاسرکراسلاری بود و در ضمن با اعمال فشار در اهالی صمغ آباء، از تواجیب قسزون، مسال و معنال هنگفتی اندوخت، اکنون آزاد شده است.»

دوست عزیز از کمک مالی بیکهزار ریالی شما و یکی از رفقایانتان نیز متشکریم.

چرا با ضد انقلاب مماشات میشود

کرده و شهید داده اند. مورد دیگر آزاد ساختن کسریم ایمنی، محترک معروف، و نسراله دهقان، سرسخته چساق بهستان در روزهای تظاهرات است. در گزارش واسمه گفته میشود،

حالی مسئلهای که مطرح است، اینست که آزادی این افراد، از آنجا که نفعی قاطعیت در مقابل ضد انقلاب محسوب میشود، مردم این منطقه با بفرک انداخته، آنها میروند، راستی چرا این چنین شده؟

چگونه میسند که در وقت یزده از این گونه فرودت حمایت خصوصی در صورتی است که عملکرد ضد انقلابی این عناصر هر روز در هر گوشه از کشور شدت میپذیرد، مردم خواهان جواب دادن به این گونه سؤالات شته و برآیند آورده اقدام به جشن و پایکوبی کرده اند. هر گونه اقدام ضد انقلابی و مقابله قاطعانه با ضد انقلابیون هستند.

اما متأسفانه در روز شنبه ۳۰ تیرماه ۱۳۵۸، حوالی ساعت ۱ الی ۳ بعد ازظهر، یعنی در ساعتی از روز که معمولاً با نهایی شهر نسبتاً خلوت میشود، این بلاکرها توسط عناصر مشکوکی پایه شد.

پاره کردن این پلاکاردها در روزی انبساط گرفت که تمام نیروهای دسکرات و ضد امپریالیست، این روزها روز تلبی انبساط مردم مهمن ما علیه رژیم خود کلمه مخلوع میبوی و امپریالیسمها تفرقه افکنند لئاعل چنین عناصری در این روز، تنها میبویند نشانهای با شد اختر ایگاری و نقایا فکنی بی صنف متخندق.

مردم افکار مرکزی حزب توده ایران در روز هفده شماره، شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می شود.

نشانی، خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، تلن، ۹۳۳۴۵۹ ۹۳۵۷۲۸

در میدان بهرستان، در اینبار به گزارش «مردم» - رجوع کنید، جرایم مرموم به کار این فشار نیز خیر مرموم ترا نوشته، و حتی رادیوی ایران برای انقضیم این خیر بر منتشر ساخته. شکست است که شما با خیر تقیده اید. موفقیت شما را خواهیم.

م. م. همواره، در نامه شما رسیده، پنجاه تومان کمک شما هم رسیده، متشکریم. - اتفاقاً بهمین کمکهای که ما متکی هستیم، نه تنها به میزان رقص، بلکه همچنین به تمام شور و آوازی که در پشت اینس کمک نهفته است. خوب نوشته اید که زندگی ما مردم لادنختر تر است و باید قطره ای بود و بدینا بیوست.

دوست عزیز بیخی، مقصود از «گروک»، تحقیر بآن معنای که شما نوشته اید، نیست، بلکه باینکه واقعیت این نظر کمی است. و از آنجای سایر اما زمانتوجهی کرده میبایست خاص را بدین لغامعیند، در حالی که همه میدانیم شهید نوشته اید که خودتان واردید، عده ای که با اندیشه های مائولیتسی در هر جیع شده اند، بسیار ناچیزانند و حتی نمیتوان آنرا در مورد نامید، درمه نابانها، نه برای تحقیر، بلکه برای بیان واقعیت موجود چنین عده انگشت شمار افراد را، یک «گروک» مینامند، قصد دیگری مدین نیست.

خسرو، در نامه خود در روز تاریخ وطبعمه تاریخ، سازمها از حزب توده ایران سخن میگوید و آنرا حزب طراز نوین طبقه خود می نامد و میبویسد، «همیشه بیشترین ضربات و صدمات بزرگ را در باره استقلال آزادی متصل شده است.» وی با شعارهای «زنده باد جبهه متحد خلق مردمک و امپریالیسم امریکا» نامه خود را به پایان میبرد و طبقه شری می اضافه میکند، زیر عنوان «تبهته»، با این ایتیه تهمت زدن/ حقیقت را دگرگون سازید / آخر/ تصویر خورشید زلندی بپش/ تصویر حزب رنگهای خلقی / بر پدیدگان شب کوران/ چون تیر آرشا/ از خندنگ ولادین/ بر قلب دشمنان...»

کودکبان، مفسر خبرگزاری شوروی نووستی تفسیری زیر عنوان: تلاش های محکوم نوشته است. خلاصه تفسیر را در زیر میخوانید:

نیروهای ارتجاع داخلی و خارجی بغنایت تحریبی علیه انقلاب ایران ادامه میدهند. هر روز اخبار ناذرهای پیرامون عملیات تروریستی، برانگیختن اختلاف ونفاق بین خلقها و اقدامات معطوف به از هم پاشیدن اقتضاد و تجزیه وحدت نیروهای انقلابی کشور مرسد، طی دوران اخیر تلاشهایی بعمل میآید تا روابط سنتی حسن همجواری بین ایران و اتحاد شوروی بهم خورد و بازم سلطان وعیم اعتماد مسمو شود. شایعات یگلی و برج بی اساسی پیش میشود، از آن تجربه این شایعه که گویا اتحاد شوروی پنهانی اسلحه با ایران وارد میکند و در بهارهای استانها گفتاش را می اندازد.

زندگی بین المللی تاکنون شواهد زیادی بدست داده که سخن پیرامون « دست مسکو» هم باین موقمی بیان میآید که کشورهای امپریالیستی لازم میبینند تا تحریبی خود را در این و آن منطقه جهان برده پیش کنند، در حال حاضر مداخله غرب در امور داخلی ایران بصورت یک پدیده دائمی درآمده است. حقایق مرموم به چنین مداخلاتی را اقلب رهبران ایران در اظهارات خود و بسیاری از تجرید کشور در صفحات و دولتی میکنند، روزنامهها، با استناد به بیان غرب، تا زکی اطلاع دادند که در ایران حدود ۱۰۰ کارمند سابق فعالیت میکنند و تعداد کل اسال امریکا حدود ۲ هزار نفر را تشکیل میدهد. آیت الله خمینی بکرات اظهار داشت که دولت های امپریالیستی شبکه جاسوسی آنها در داخل کشور «از تلاش برای اعاده سلطه خود در ایران دست نمی کشند.»

و اما در آنچه که مربوط به روابط شوروی-ایران است، باید گفت که خود تاریخ این روابط، بنحو مقنع، یاده های مخالفان دوستی دو کشور همجوار را تکذیب می کند.

حکومت شوروی از همان اسالی اول موجودیت خود، بدافع از استقلال و حق حاکمیت و تمامیت ارضی ایران برخاست. حکومت شوروی در نخستین اسناد سیاست خارجی خود «فرمان صلح» و باینیه خطاب «به تمام زحمتکشان مسلمان روسیه و شرق» کلیه عهد نامه های سری حکومت تزاری، از آن جمله عهدنامه سال ۱۹۰۷ انگلیس روسیه درباره تقسیم ایران به مناطق نفوذ املی ساخت، در سال ۱۹۱۹، روسیه شوروی مجدداً امتناع خود را از رژیم کاپیتولیسیون و از امتیازات بر برتریهای کادریم تزاری در ایران کسب کرده بود، اعلام داشت تمام تیرو نهایی را که در اراضی ایران نا انقلاب اکثر، متعلق به سرمایه داران روس بود، بمرسد ایران واگذار کرد.

قرارداد سال ۱۹۲۱ که ۲۶ فوریه آن سال در مسکو امضا رسید، مبنای برای همکاری و حسن همجواری شوروی و ایران شد. قرار داد، با شش ماهی حق مملتی در تعیین آزاد و بلا مانع سر نوشت سیاسی خویش، اصول برابری حقوق طرفین و عدم مداخله در امور داخلی یکتیگر را اعلام داشت.

قرارداد سال ۱۹۲۱ امتناع روسیه شوروی را از تمام پیمانها و موافقت نامه های نابرابری که امپراطوری روسیه بایران تحمیل کرده بود و امتناع از جبران قرضه های تزاری را از لحاظ حقوقی تسهیل نمود. در قریب از دهه چینی تصریح گردید که مؤسسات امتیاز داران و راههای شوه و آهن و بانک استقرانی روس، که متعلق به اتباع روسیه و دولت تزاری بود، بلا عرض بایران واگذار میشود.

قراردادهای سیاسی که در دهه های ۳۰ و ۴۰ بین دو کشور منعقد گردید، اولین قراردادهای مساوی الحقوق ایران با یک کشور اروپائی بود. این قراردادهای رژیم کاپیتولیسیون و موافقت نامه های اسارتباری که از طرف کشورهای سرمایه داری بایران تحمیل شده بود، شرعاً باطل و ساخت و موسفت بین المللی ایران را تحمیل بپشید.

در سالهای بعد، متماسبات دو کشور توسعه بیشتری یافت، بوژه در زمینه روابط اقتصادی. در تیر این همکاری اتحاد شوروی، در ایران در هفته های سنتی مدرن نظیر ذوب آهن، صنایع معدن، صنعت ذغال سنگ و لوله کشی گاز پدید آمد. اتحاد شوروی در توسعه صنایع ماشین سازی سنگین و انرژی برق و تریب کردهای ملی هم میبوی ادا نمود. جمما با کمک اتحاد شوروی، در ایران ۱۴۷ موسسه و مؤسسه صنعتی ساخته شده و با در دست ساختمان است.

در بین این موسسات بزرگتر از همه کارخانه ذوب آهن اسفهان است که قدرت تولیدی آن به ۵۵ هزار تن فولاد در سال می رسد. بر اساس گزارش شرکت ملی ذوب آهن، محصول این کارخانه امکان می دهد که هر سال ۲۰۰ میلیون در مصرف اژکتور صرفه جوئی شود. سابقاً این بودجه صرف خرید فلز سیاه انباز می شد. زمین ششمین شوروی، علیرغم پیش بینی کارشناسان غرب، در ایران معادن بزرگ سنگ آهن کشف کردند.

حقایق یاد شده نشان میدهد که روابط شوروی و ایران همواره به مقاصد تحکیم حسن همجواری کمک نموده است. و این، تمام کمال در مورد دوران اخیر نیز صدق می کند. در دوران حوالت انقلابی ایران، اتحاد شوروی میدانه علیه مداخله محامل امپریالیستی در امور داخلی ایران برخاست و این عمل، تاحد قابل ملاحظه ای در عقیم ماندن شته های مداخله گرانه خارجی کمک نمود.

و تمسک بیشتر مناسبات بین دو کشور فراهم شد. در خانه نشین چنین میخوانیم «تلاش در راه تهر کسردن مناسبات حسن همجواری بین اتحاد شوروی و ایران، که از طرف دشمنان داخلی و خارجی جمهوری نو بنیاد اسلامی، برای برده پیشی عملیات ضد انقلابی خود انجام می گردد، نمیتواند بموفقیت منتهی شود. مردم ایران قادرند تشخیص دهند که کی دوستشان هست و کی نیست.»

مالکیت نامحدود به نام اسلام

در هفته‌های قبل از کارزار انتخاباتی این مجلس خبرگان، پیش نویس قانون اساسی پیش از تصویب از سوی اجتماع راست مورد هجوم قرار گرفته است. مایه تأسف است که این محلات زیر پوشش منهد و نیت لوی اسلام انجام میگیرد و اصولی به اسلام نسبت داده میشود، که به روح اسلام، که متمم عدالت اجتماعی است، کمترین وجه مشروع ندارد. از جمله تبلیغ میشود که گویا اسلام برای مالکیت شخصی، که از دراه مشروع بدست آید، حدودی قائل نیست. منظور آنست که اگر کسی دزدی نکند، رشوه نگیرد و امسوال عمومی را بهسبب نکند، بلکه با کارگر و دهقان قرارداد کار منعقد کند، آثار آنرا در کارخانه و روی زمین خود بشمار واردار و یا نان مزدبپردازد و از این طریق ثروت انودزی کند، برای چنین مالکیت مشروعی، در اسلام محدودیت وجود ندارد. چه از تیرا بزم آقایان

دور اسلام، چیرشیدن و کار کردن بر ای دیگری یا اخذ اجرت جایز است، مانند مزارعه و مساقات و مضاربه و نیز اینگونه موارد عمل انسان محترم است و این را استثمار نمیگویند.

پایداز این آقایان پرسیده، پیش تعریف استثمار چیست؟ اگر اجیر کردن دیگری، بهره کشی از نیروی کار او توسط فرد یا افراد دیگری، استثمار نیست، اگر سیستم مزارعه، که یک پنجم محصول کشترا آنرا سهم دهقان زحمتکش میداند و چهار پنجم دیگر را بیجب ارباب مفتخورا میریزد، سیستم بیرحم، ظالمانه و مبتنی بر استثمار نیست، پس اصولا تعریف استثمار چیست؟

نیمعان صرف «صداقت» بزرگسار، کارگر و دهقان را به «چیرشیدن و مزد گرفتن» نافی خلصت استثمارگر ابقی قرار داد کار میان کارورسما به دانست، زیرا در شرایط فقدان عدالت و تأمین اجتماعی، هر بازوری بهره برای بیور کردن شکم خود و خانواده اش، ناگزیر میشود بهره فریاد ظالمانه ای زن در عهد و نیروی کار خود را در قبال یک مزد بخور و نمیر به ارباب و کارفرمایا بفروشد. این چنین «صداقتی» رضایت نیست، بلکه تحمل بهره‌حانه نظامی مبتنی بر نابرابری اجتماعی و استثمار به زحمتکشان جامعه است که هیچ قانونی از حقوق انسان‌شان حمایت نمیکند. بسر چنین بهره‌کشی ظالمانه ای دین اسلام، که حامی مستضعفین است، هرگز صحنه نمیکندارو این مسائل اقتصادی را به‌چیرو تأیید نمیکند.

صحیح است که فلان مالک زمین و کارخانه، برای احراز مالکیت و تثبیت و گسترش آن، نه در دیوار خانه کسی بالا میروند و نه سر کرده را میگیرد، ولی عمل بهره‌کشی او از نیروی کار زحمتکشان و تصمیم ارتش اضافی تولید شده بوسیله یک، ده، صد و بیست دهقان و کارگر زحمتکش، ناشی دزدی است و آهم چنان دزدی که قبیح‌شده است آن به تنها از دزدین چند تکه جواهر نخته تخته قلمت کتری نیست، بلکه بهر ارباب بیشتر است. منتهی در نظامهای مبتنی بر استثمار، بر این چنین دزدی مهم قانونیت رده اند، آنگاه به دزد را میگیرند و دزدان از محرومی یزیتی بهره‌کشان و مستقران را برمسند حکومت و ریاست می‌نشانند.

اگر اسلام، بزعم این آقایان، طرفدار مالکیت نامحدود باشد، این نتیجه بیاخواهد آمد که شغلمیان طبقات اجتماعی، میان طبب ثروت و فقر روبروبرز افزون تر شود. ولی منهد اسلام، که حامی مستضعف است، هرگز بر چنین تبعیضی دستن اجتماعی، هر تأیید نمیگذارد. این آقایان بنام اسلام، بر اسلام ضرب میزنند و بنام پودش ویوس قانون اساسی، قانون اساسی آیینه را از معنوی متفرقی آن تهی میسازند. انقلاب بهمن، که بهمت زحمتکشان به پیروزی رسید، نمیتواند ادامه دهنده استثمار، ستم و نابرابری اجتماعی باشد. انقلاب، که یکفنه امام خمینی، انقلاب مستضعفین است، باید از منافع طبقات زحمتکش حمایت کند و آنچنان نظام اقتصادی را بی ریزد، که در سبب تکمیلی خود، جایی برای استثمار و بهره‌کشی، تحت هر عنوان و بهر نام، باقی نماند، شغلمیان طبقات و فقرهای اجتماعی تنگ و تنگتر شود و عدالت اجتماعی بر جامه کار می‌گردد. اینست انتظار مردم!

از انتشارات حزب توده ایران
منتشر شد:
۱ - ترجمه جدید اثر نویس در باره فریدوش اثلسن از محمد پسر هرمان
۲ - سازمان ایلیسم تاریخی (کتاب دوم) تألیف امیر نیک آئین.
به اقتباس از نوشتار شده بدینوسیله چاپ و توسط انتشارات پوزدی منتشر میشود.
لژراری - بجای از ارع
الجنه - بجای سلولیت اقدام - بجای الانعام

استقبال پر شور حزب توده ایران از نامزدهای حزب توده ایران

حزب توده ایران از آغازین هفته، در کارزار وسیع انتخاباتی مجلس خبرگان شرکت کرده است. هزاران جوان توده‌ای، در چهار گوشه کشور، با چسباندن پوسرها، پخش تراکتها و اعلامیهها، در جوار نامزدهای حزب ما، که برای مردم سخن می‌گویند و آنها را با مواضع حزب توده ایران آشنا می‌کنند، به فعالیت چشمگیری دست زدند.

آنچه در نگاه اول، در این کارزار انتخاباتی چشم می‌آید، استقبال بی نظیر توده‌ها از اعضاء و هواداران حزب ماست. در نقاط متعدد، توده‌ها گرد می‌آیند، به سخنان توده‌ای‌ها گوش می‌دهند و در بساطه آن سخنان بحث میکنند. در محلات کارکنین، کارگران و خانواده‌های آنها، به نسب اعلامیه‌ها و پوسرها، حزب ماکمک می‌کنند.

نوعه‌هایی از این استقبال و پشتیبانی مردم در خیر نگاران «مردم» چنین گزارش داده اند، ساعت ۱۰ بعد از ظهر یکشنبه، هتم مرداد، وقتی رقبای ما بومیدان جهوری (محمد رضا شاه سابق) سرگرم پخش اعلامیه بودند، چند نفر مزاحم آنها شدند. درمی‌کشد شاهد ما بیابود، پشتد به مزاحمان اعتراضی آنها را و از سر راه رقبای ما دور کردند. چند لفظه بعد، مرد مسنی خودش را به رقبای ما رساند و وقتی ضمهید اعلامیه‌ها متصلی به حزب توده ایران، فریاد زد: زنده باد حزب توده ایران!

بعد هم مقداری اعلامیه گرفت و به پخش آنها پرداخت. چند قدم بالا تر، زنی از بالکن یک خانه به رقبای ما گفت: همو و خانواده‌ها که به مریم فرورز و دیگر کارندیداهای حزب رأی میدهم.

«در خیابان یهودی، وقتی رقبای ما اعلامیه انتخاباتی پخش کردند، چند جوان آنها در باره مجلس خبرگان به بحث بپرداختند و گفتند، حزب طرفداران زیادی دارد و کمالوروی حتمأً انتخاب می‌شود.

«وقتی ساعت ۷ بعد از ظهر یکشنبه، هتم مرداد، دو نفر با موتورسیکلت در میدان بهارستان به یکی از رقبای ما، که اعلامیه پخش می‌کرد، حمله کردند، مردم به دفاع از او برخاستند و ضمن اعتراض شدید به مهاجمین گفتند که حزب توده ایران روزنامه‌های خود را در آزاد باشند. رقبای ما این دو نفر را به کمیته ۹ نزدیکان خود و بازرگانی پاره شهر بردند و مسئول کمیته، ضمن تأیید رقبای ما، به آن دو نفر مشکوک گفت؛ هر اعلامیه‌ای که مهر و علامت حزب و سازمانی را داشته باشد، می‌تواند آزادانه پخش شود و عدل کسی که مانع خود، این مسئول کمیته، رقبای ما را با اتومبیل خودش به خانه رساند.

«وقتی رقبای ما در خیابان فدائیان اسلام، خیابان ۲۰ متری منصور، اعلامیه انتخاباتی پخش می‌کردند، به کمیته این محل رسیدند و چند اعلامیه به پاسداران دادند. اینها یکی از پاسداران باخونت سراغ آنها آمد. ولی وقتی برایش توضیح دادند که اعلامیه‌ها متعلق به حزب توده ایران است، با لحن محترمانه‌ای از رقبای ما خواهش کرد به کمیته بروند، جوانی که مسئول کمیته بود، بعد از مشاهده اعلامیه‌ها، متنی حزب ما را تأیید کرد و گفت، در جهت وحدت مردم با یکدیگر است.»

«ساعت ۱۱ شب هتم مرداد، وقتی رقبای ما در غرب تهران سرگرم چسباندن اعلامیه‌های تبلیغاتی بودند، چند بساد مأموران کمیته جلوی آنها را گرفتند، اما وقتی متوجه شدند، توده‌ای هستند با عذرخواهی، برایشان آزردی موقعیت کردند.

«در همین شب، ۲ نفر به تمقیب رقبای ما پرداخت و پوستر-هایی را که آنها می‌چسباندند، پاره می‌کردند. بدنبال اعتراض رقبای ما آنها گفتند، شما آزادید بوسرچ می‌کشید، ما هم آزادیم آنها را پاره کنیم!

«وقتی ما گفتید، رای او علیه شما سوء استفاده از آزادی است. آنها گفتند، چرا در راه می‌مایم وحدت حتی یک اعلامیه منتشر نکردید؟ فقط حزب توده اعلامیه منتشر کرد. رقبای ما گفتند، خوب ما هم توده‌ای هستیم. آن دو نفر با تمجب عذرخواهی کردند و گفتند، ما اعلامیه‌ها را نتواند، پاره می‌کنیم.»

در جوار این استقبال مردم از فعالیت انتخاباتی حزب ما، دشمنان انقلاب ایران نیز با تمام نیرو حواس‌ند. گروههای بسیج شده شدند انقلاب، با انواع واقام وسایل، در نقاط مختلف، پوسرشی به اجتماعات انتخاباتی حزب ما و دیگر نیروهای مترقی جامعه را در سطح وسیعی و با استفاده از فاشیستی ترین روش‌ها پیاده کرده‌اند. آنچه می‌خواهند، گزارش مختصری از نحوه ضد انقلاب به فعالیت‌های انتخاباتی حزب توده ایران است،

آنچه در نگاه اول، در این کارزار انتخاباتی چشم می‌آید، استقبال بی نظیر توده‌ها از اعضاء و هواداران حزب ماست. در نقاط متعدد، توده‌ها گرد می‌آیند، به سخنان توده‌ای‌ها گوش می‌دهند و در بساطه آن سخنان بحث میکنند. در محلات کارکنین، کارگران و خانواده‌های آنها، به نسب اعلامیه‌ها و پوسرها، حزب ماکمک می‌کنند.

نوعه‌هایی از این استقبال و پشتیبانی مردم در خیر نگاران «مردم» چنین گزارش داده اند، ساعت ۱۰ بعد از ظهر یکشنبه، هتم مرداد، وقتی رقبای ما بومیدان جهوری (محمد رضا شاه سابق) سرگرم پخش اعلامیه بودند، چند نفر مزاحم آنها شدند. درمی‌کشد شاهد ما بیابود، پشتد به مزاحمان اعتراضی آنها را و از سر راه رقبای ما دور کردند. چند لفظه بعد، مرد مسنی خودش را به رقبای ما رساند و وقتی ضمهید اعلامیه‌ها متصلی به حزب توده ایران، فریاد زد: زنده باد حزب توده ایران!

بعد هم مقداری اعلامیه گرفت و به پخش آنها پرداخت. چند قدم بالا تر، زنی از بالکن یک خانه به رقبای ما گفت: همو و خانواده‌ها که به مریم فرورز و دیگر کارندیداهای حزب رأی میدهم.

«در خیابان یهودی، وقتی رقبای ما اعلامیه انتخاباتی پخش کردند، چند جوان آنها در باره مجلس خبرگان به بحث بپرداختند و گفتند، حزب طرفداران زیادی دارد و کمالوروی حتمأً انتخاب می‌شود.

«وقتی ساعت ۷ بعد از ظهر یکشنبه، هتم مرداد، دو نفر با موتورسیکلت در میدان بهارستان به یکی از رقبای ما، که اعلامیه پخش می‌کرد، حمله کردند، مردم به دفاع از او برخاستند و ضمن اعتراض شدید به مهاجمین گفتند که حزب توده ایران روزنامه‌های خود را در آزاد باشند. رقبای ما این دو نفر را به کمیته ۹ نزدیکان خود و بازرگانی پاره شهر بردند و مسئول کمیته، ضمن تأیید رقبای ما، به آن دو نفر مشکوک گفت؛ هر اعلامیه‌ای که مهر و علامت حزب و سازمانی را داشته باشد، می‌تواند آزادانه پخش شود و عدل کسی که مانع خود، این مسئول کمیته، رقبای ما را با اتومبیل خودش به خانه رساند.

«وقتی رقبای ما در خیابان فدائیان اسلام، خیابان ۲۰ متری منصور، اعلامیه انتخاباتی پخش می‌کردند، به کمیته این محل رسیدند و چند اعلامیه به پاسداران دادند. اینها یکی از پاسداران باخونت سراغ آنها آمد. ولی وقتی برایش توضیح دادند که اعلامیه‌ها متعلق به حزب توده ایران است، با لحن محترمانه‌ای از رقبای ما خواهش کرد به کمیته بروند، جوانی که مسئول کمیته بود، بعد از مشاهده اعلامیه‌ها، متنی حزب ما را تأیید کرد و گفت، در جهت وحدت مردم با یکدیگر است.»

«ساعت ۱۱ شب هتم مرداد، وقتی رقبای ما در غرب تهران سرگرم چسباندن اعلامیه‌های تبلیغاتی بودند، چند بساد مأموران کمیته جلوی آنها را گرفتند، اما وقتی متوجه شدند، توده‌ای هستند با عذرخواهی، برایشان آزردی موقعیت کردند.

«در همین شب، ۲ نفر به تمقیب رقبای ما پرداخت و پوستر-هایی را که آنها می‌چسباندند، پاره می‌کردند. بدنبال اعتراض رقبای ما آنها گفتند، شما آزادید بوسرچ می‌کشید، ما هم آزادیم آنها را پاره کنیم!

«وقتی ما گفتید، رای او علیه شما سوء استفاده از آزادی است. آنها گفتند، چرا در راه می‌مایم وحدت حتی یک اعلامیه منتشر نکردید؟ فقط حزب توده اعلامیه منتشر کرد. رقبای ما گفتند، خوب ما هم توده‌ای هستیم. آن دو نفر با تمجب عذرخواهی کردند و گفتند، ما اعلامیه‌ها را نتواند، پاره می‌کنیم.»

در جوار این استقبال مردم از فعالیت انتخاباتی حزب ما، دشمنان انقلاب ایران نیز با تمام نیرو حواس‌ند. گروههای بسیج شده شدند انقلاب، با انواع واقام وسایل، در نقاط مختلف، پوسرشی به اجتماعات انتخاباتی حزب ما و دیگر نیروهای مترقی جامعه را در سطح وسیعی و با استفاده از فاشیستی ترین روش‌ها پیاده کرده‌اند. آنچه می‌خواهند، گزارش مختصری از نحوه ضد انقلاب به فعالیت‌های انتخاباتی حزب توده ایران است،

روز سه شنبه ۹ مرداد ۵۸
رفیق محمدعلی عمویی، نامزد حزب توده ایران برای نمایندگی در مجلس خبرگان از تهران، از صدای جمهوری اسلامی ایران، با مردم ایران چنین گفت:

«میهنان عزیزا این نخستین بار است که میکروفون را در دست می‌گیرید. برای من این یک افتخار است. من می‌خواهم بدانم که آیا شما می‌توانید با این فرصت، به نفع ایران عمل کنید؟»

«بله، من می‌توانم. من می‌خواهم بدانم که آیا شما می‌توانید با این فرصت، به نفع ایران عمل کنید؟»

«بله، من می‌توانم. من می‌خواهم بدانم که آیا شما می‌توانید با این فرصت، به نفع ایران عمل کنید؟»

«بله، من می‌توانم. من می‌خواهم بدانم که آیا شما می‌توانید با این فرصت، به نفع ایران عمل کنید؟»

«بله، من می‌توانم. من می‌خواهم بدانم که آیا شما می‌توانید با این فرصت، به نفع ایران عمل کنید؟»

«بله، من می‌توانم. من می‌خواهم بدانم که آیا شما می‌توانید با این فرصت، به نفع ایران عمل کنید؟»

«بله، من می‌توانم. من می‌خواهم بدانم که آیا شما می‌توانید با این فرصت، به نفع ایران عمل کنید؟»

«بله، من می‌توانم. من می‌خواهم بدانم که آیا شما می‌توانید با این فرصت، به نفع ایران عمل کنید؟»

«بله، من می‌توانم. من می‌خواهم بدانم که آیا شما می‌توانید با این فرصت، به نفع ایران عمل کنید؟»

«بله، من می‌توانم. من می‌خواهم بدانم که آیا شما می‌توانید با این فرصت، به نفع ایران عمل کنید؟»

«بله، من می‌توانم. من می‌خواهم بدانم که آیا شما می‌توانید با این فرصت، به نفع ایران عمل کنید؟»

«بله، من می‌توانم. من می‌خواهم بدانم که آیا شما می‌توانید با این فرصت، به نفع ایران عمل کنید؟»

«بله، من می‌توانم. من می‌خواهم بدانم که آیا شما می‌توانید با این فرصت، به نفع ایران عمل کنید؟»

«بله، من می‌توانم. من می‌خواهم بدانم که آیا شما می‌توانید با این فرصت، به نفع ایران عمل کنید؟»

«بله، من می‌توانم. من می‌خواهم بدانم که آیا شما می‌توانید با این فرصت، به نفع ایران عمل کنید؟»

«بله، من می‌توانم. من می‌خواهم بدانم که آیا شما می‌توانید با این فرصت، به نفع ایران عمل کنید؟»

«بله، من می‌توانم. من می‌خواهم بدانم که آیا شما می‌توانید با این فرصت، به نفع ایران عمل کنید؟»

رفیق محمدعلی عمویی از صدای جمهوری اسلامی ایران سخن گفت

«میهنان عزیزا این نخستین بار است که میکروفون را در دست می‌گیرید. برای من این یک افتخار است. من می‌خواهم بدانم که آیا شما می‌توانید با این فرصت، به نفع ایران عمل کنید؟»

«بله، من می‌توانم. من می‌خواهم بدانم که آیا شما می‌توانید با این فرصت، به نفع ایران عمل کنید؟»

«بله، من می‌توانم. من می‌خواهم بدانم که آیا شما می‌توانید با این فرصت، به نفع ایران عمل کنید؟»

«بله، من می‌توانم. من می‌خواهم بدانم که آیا شما می‌توانید با این فرصت، به نفع ایران عمل کنید؟»

«بله، من می‌توانم. من می‌خواهم بدانم که آیا شما می‌توانید با این فرصت، به نفع ایران عمل کنید؟»

«بله، من می‌توانم. من می‌خواهم بدانم که آیا شما می‌توانید با این فرصت، به نفع ایران عمل کنید؟»

«بله، من می‌توانم. من می‌خواهم بدانم که آیا شما می‌توانید با این فرصت، به نفع ایران عمل کنید؟»

«بله، من می‌توانم. من می‌خواهم بدانم که آیا شما می‌توانید با این فرصت، به نفع ایران عمل کنید؟»

«بله، من می‌توانم. من می‌خواهم بدانم که آیا شما می‌توانید با این فرصت، به نفع ایران عمل کنید؟»

«بله، من می‌توانم. من می‌خواهم بدانم که آیا شما می‌توانید با این فرصت، به نفع ایران عمل کنید؟»

۲۵ سال تسلط اهریمنی بر جان، مال و ناموس مردم
از همان آغاز استیلای خاندان مغفوره پهلوی پایه‌های تسلط امپریالیسم جهانی در کشور ما مستحکم شد. پس از کودتای ۲۸ دیکتاتورئی و سرخوشی‌های خلق مغفوره کشور ما بهر صدها سال مبارزه و نبرد آزادیخواهان بلامنازع امپریالیسم، بویژه امپریالیسم امریکائی تبدیل گردید. کودتای نظامی و ضمهیلی ۲۸ مرداد که استیلا و تسلط امپریالیسم امریکائی را در کشور ما تثبیت کرد و بوسیله مستشاران و عمال امپریالیسم امریکائی را در کشور ما مستحکم کرد، در این سده‌ها سال مبارزه و نبرد آزادیخواهان ناموس مردم میهن ما سلطه اهریمنی خود را بر فراز ساخت. طس این دوران کشور ما به نارنجک‌های انحصارات امپریالیستی تبدیل گردید. ثروت‌های میهن ما در اختیار انحصارات امپریالیستی قرار گرفت. کشور ما به حساب درآمدهای ملی مردم ایران به پایگاه نظامی

بزرگترین خیانت شاه مخلوع
یکی از بزرگترین خیانت‌های رژیم دست نشانده شاه مخلوع، اتخاذ سیاست نظامی-سیاسی، یعنی سیاست سرکوب خویشین-چیش-آزادی بخش-ملی دزدان کشور و سرکوب جنبش‌های آزادیبخش-ملی در دیگر کشورهای منطقه بود. این سیاست مستور-امپریالیسم و بطور-مختص بدستور واشنگتن، توسط محمد رضا پهلوی اجرا میشد. اینرا در اجرای آن، ارتش بود شد ملی-شد خلقی، که پایه‌های آنرا مستشاران کرد. سازمان «سده سلطانات» ارتش را، که سازمان «سوسو» امریکائی در ارتش است، منحل ساخت. باید ساختار ارتش را دگرگون کرد و آنرا بر حسب نیازمندیهای ملی و جغرافیائی ایران و فقط بمنظور دفاع از کشور از نو ساخت.

«بله، من می‌توانم. من می‌خواهم بدانم که آیا شما می‌توانید با این فرصت، به نفع ایران عمل کنید؟»

«بله، من می‌توانم. من می‌خواهم بدانم که آیا شما می‌توانید با این فرصت، به نفع ایران عمل کنید؟»

«بله، من می‌توانم. من می‌خواهم بدانم که آیا شما می‌توانید با این فرصت، به نفع ایران عمل کنید؟»

«بله، من می‌توانم. من می‌خواهم بدانم که آیا شما می‌توانید با این فرصت، به نفع ایران عمل کنید؟»

«بله، من می‌توانم. من می‌خواهم بدانم که آیا شما می‌توانید با این فرصت، به نفع ایران عمل کنید؟»

«بله، من می‌توانم. من می‌خواهم بدانم که آیا شما می‌توانید با این فرصت، به نفع ایران عمل کنید؟»

«بله، من می‌توانم. من می‌خواهم بدانم که آیا شما می‌توانید با این فرصت، به نفع ایران عمل کنید؟»

ضد انقلاب باشعار «جاویدشاه» به میدان می‌آید!
تهران مسئول دادن شمار بودند، عده‌ای ناشناس به آنها پیوستند و شمار آنها را بهشمار «ای شاه دادگاه‌های انقلاب بی‌پروا» تبدیل پرداخته است. در آستانه برگزاری انتخابات مجلس خبرگان دامنه تلاش، خود را وسعت داده است.

«بله، من می‌توانم. من می‌خواهم بدانم که آیا شما می‌توانید با این فرصت، به نفع ایران عمل کنید؟»

رفیق مریم فرمانفرمائیان (فیروز) از صدای جمهوری اسلامی ایران سخن گفت



رفیق مریم فرمانفرمائیان (فیروز)، نامزد حزب توده ایران برای نمایندگی در مجلس خبرگان از تهران، از صدای جمهوری اسلامی ایران، با مردم ایران چنین گفت:

اینها مریم فرمانفرمائیان، شهرت فیروز، افتخار آنرا دارم که از جانب حزب توده ایران برای نمایندگی در مجلس خبرگان نامزد شده‌ام.

در سال ۱۳۲۰، هنگامی که حزب توده ایران فعالیت خود را آغاز کرد، بدون هیچگونه تبعیضی برای زنان حق مساوی با مردان را خواستار شد و از همه زنان خواست که در مبارزات ضد امپریالیستی، استقلال طلبانه و دمکراتیک شرکت کنند و فعالانه در امور سیاسی کشور خود دخالت نمایند، انتخاب شوند و انتخاب کنند و به مقام معنی دار در تعیین سرنوشت کشور و ملت خود دخیل و صاحب نظر باشند.

حزب ما حزبی است از آن مردم و از مردم و برای مردم و زن هم نهی از جمعیت ایران است. حزب توده ایران، بطور وسیع و واقع متفقد است که جامعه زمانی می‌تواند رشد یابد، پرورش پیدا کند و شکوفای شود که همه افراد آن در امر سازندگی این جامعه شرکت داشته باشند و اگر نیمی از آن را کناره بگذارند، این جامعه نمی‌تواند استوار بر روی پای خود قرار گیرد، همانند آن است که از انسانی فلج شده بخواهیم که راه برود. این است که حزب توده ایران همیشه کار خود را بر روی این اصل بزرگ گذاشته است، که تا زن در مبارزات شرکت نکند، مبارزه‌ای بمرنخواهد رسید. و عملاً هم در جریان زندگی و مبارزات دیده شده که این اصل درست است.

زن در اجتماع ما مقامی بسیار پست داشت. قوانین او را در ردیف مجازین قرار داده بودند. اجتماع این توهین بزرگ را بر خود روا داشته بود که در دامان کسانی پرورده شود که ناقص العقل شمرده می‌شدند. در ایران برستی زن ستمدیده‌ترین ستمدیدگان بوده و اکنون هم هست.

با مطالعه وضع زن در ایران به معنای درست این جمله پی می‌بریم: «پیش از اینکه در اجتماع برده‌ای وجود داشته باشد، زن برده شده بود».

در دوران اختناق، در سال‌های مخوف رژیم دژخیمی محمد رضا، زنان در مبارزات مردم شرکت کردند و به اشکال مختلف با این ضحاک عصر به مبارزه برخاستند.

زیاد هستند مادرانی که فرزندانشان در راه مبارزه شهید شده‌اند، به زندان افتاده‌اند و زیاد هستند دختران و زنانی که خود به زندانها افتاده‌اند، شکنجه دیده‌اند، ایستادگی کرده‌اند و یسا شهید شده‌اند.

در تظاهرات عظیمی این زنان، باید با نهایت سربلندی از تظاهرات خانواده‌های افسران و سربازانی که رژیم مغفوق پهلوی به ظرافت ستاده بود، نام بود. در دنیا کسی نمی‌داند که محمدرضا پهلوی به چه جنایتی دست زده است و چگونه ارتش ایران را برای سرکوب انقلابیون و آزادخواهان ظفار فرستاده است. و ناگهان زنان دست به تظاهرات زدند و خواستند که عزیزانشان از صحنه ایمن کارزار برگردانده شوند. و این پرده‌دری بدست زنهاى از جان گذشته انجام گرفت.

تظاهرات دیگر زنان که بدستی وضع زندگی رقت بار مردم را روشن کرد، اعتصاب آرام و همگانی زنان سرتاسر تهران بود که از خوردن گوشتی که تنها بدر کودم نخورد، سرباز زدند.

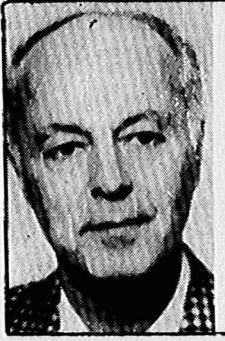
صف بی پایان مادران و زنان زندانهاى سیاسی در جلوی زندانها، یکی از صحنه‌های تکان برانگیزترین تظاهرات است که زنان، آرام، و با متانت و از خودگذشتگی دست بان زدند. این صف طولانی که همه روز می‌ایستاد و با بودن خود افسانه «تعداد کم زندانی» را در هم می‌کوبید، موجب شگفتی و تحسین همه مردم گردید.

نقش زنان در انقلاب ایران موجب سربلندی و افتخار نه تنها زنان، بلکه همه مردم ایران و مایه اعجاب مردم سراسر جهان است. صفهای فشرده زنان در جلوی تظاهرات کنندگان، آمادگی آنها برای مبارزه، برای کشته شدن، دنهایی را متحیر ساخت. این زنان، از جوانان و سالخورده، از هر قشر و طبقه‌ای، یک دل و یکجان، دست‌خالی، با تانک و کلوله در افتادند، صدها نفر از آنها تنها در روز جمعه خونین کشته شدند، اما عقب نشستند تا انقلاب پیروز شد.

واژ اینجاست که امام خمینی، رهبر انقلاب ایران، خطاب به زنان می‌گوید:

«من از شجاعت‌های زنان ایران احساس غرور می‌کنم.

رفیق احسان طبری از سیمای جمهوری اسلامی ایران سخن گفت



روز سه شنبه بعد از ظهر رفیق احسان طبری عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران و نامزد حزب برای نمایندگی در مجلس خبرگان از سیمای جمهوری اسلامی ایران با مردم ایران چنین گفت:

من احسان طبری طی این چند دقیقه‌ای که در اختیارم گذارده شده، خود را بعنوان یکی از نامزدهای حزب توده ایران معرفی می‌کنم.

خود اینجانب از جهت رشته تحصیلات دکتر در رشته فلسفه و از جهت مقام سیاسی عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران هستم، که در کنار شش تن دیگر از نامزدهای حزب توده ایران در انتخابات مجلس خبرگان، برای اصلاح، تکمیل، و تصحیح پیش نویس قانون اساسی مایلم شرکت جویم.

حزب ما در عین حال به نامزدهای سازمانهای دیگر مترقی مانند آیت‌الله طالقانی، مسعود رجوی، ابوالحسن بنی‌صدر رأی می‌دهد.

حزب ما پیش‌نویس قانون اساسی را یک زمینه خوب و مثبت می‌شمارد، ولی بر آنست که این پیش‌نویس از جهت تعیین رادرسد اقتصادی و اجتماعی کشور ما، از جهت تعیین منشی حکومت جمهوری اسلامی ایران در زمینه سیاست بین‌المللی، از جهت تصریح

آزادی‌های دمکراتیک و حقوق دمکراتیک توده‌های مردم، از جهت تصریح حقوق حقه خلق‌های ایران در تعیین سرنوشت خویش، از جهت تصریح برابری حقوق زنان ایران با مردان در همه عرصه‌ها، از جهت تصریح تفکوک نیروهای سه‌گانه و استقلال قوه قضائیه و محوقی هرگونه سازمان تضمینی و شکنجه جسمی و روانی و تعیین دقیق نقش نیروهای مسلح بمنوان ابزار حاکمیت خلق و دفاع از تمامیت ارضی کشور باید از متن کنونی خود دقیق‌تر، روشنگر و مترقی‌تر شود تا در خورد انقلاب حماسه‌آمیزی باشد که مردم ایران برهبری امام خمینی علیه امپریالیسم، استبداد و به‌خاطر دفاع از حاکمیتشان شهروده‌ی بیدی و فکری انجام داده‌اند.

نامزدهای حزب مادر تهران با چهل سال سابقه سیاسی و بیش از هشتاد سال حبس در زندان‌های مخوف شاه سابق می‌توانند مورد اعتماد کامل خلق‌های ایران باشند. به نامزدهای حزب توده ایران رأی بدهید!

کمک مالی به حزب توده ایران يك وظیفه انقلابی است

هموطنان! رفقا و دوستان!

حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، پس از سی سال مبارزه در شرایط دشوار مخفی، فعالیت علنی و قانونی خود را آغاز کرده است. لازم به تأکید نیست که اکنون وظایف سنگینی در مبارزه به‌خاطر تحکیم دستاوردهای انقلاب و نوسازی جامعه ما، در برابر حزب قرار دارد. انجام این وظایف از جمله بقدرت مالی حزب وابسته است. لذا کمک مالی به حزب توده ایران يك وظیفه انقلابی است. فداکاری‌های انضاء، هواداران و دوستان حزب در این زمینه در گذشته غرور انگیز است. اکنون نیز ما مطمئن داریم که انضاء، هواداران، دوستان و همه کسانی که به پیروزی نهایی و قطعی انقلاب ایران صادقانه علاقه‌مندند، به حزب طبقه کارگر ایران یاری خواهند رساند.

کمک مالی را می‌توان مستقیماً به دفتر حزب داد و یا با تلفن‌های ۹۳۳۶۵۹، ۹۳۳۷۲۸ - آمادگی خود را اعلام داشت. از طرف دفتر حزب ترتیب دریافت کمک داده خواهد شد. علاوه بر این، علاقه‌مندان می‌توانند کمک مالی خود را یکی از دو حساب بانکی زیرین بپردازند:

۱- حساب بانکی به نام قی‌کی‌منش و به شماره ۳۳۴۳، شعبه ۴۸ بانک ملی ایران، (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی (ایران نوین سابق).
۲- حساب بانکی شماره ۱۱۸۸، شعبه ۴۱۱۰ بانک صادرات

پیروز گرد و اتحاد همکاری است که می‌تواند جامعه نوین را برپا و پایدار درست بسازد.

همه‌یهان و خواهران عزیز! حزب توده ایران در طی زندگی و مبارزات خود نشان داده و ثابت کرده است که طرفدار و مدافع منافع مردم سراسر ایران من جمله زنان است.

حزب توده ایران از آن شاه، از خود شما، و مدافع شماست. امیدواریم که با صمیمیت و همکاری بتوانیم ایرانی به راستی مستقل، آزاد و آباد بسازیم.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق